

از کمیته مرکزی

فراخوان مشترک به کنفرانس جهانی صلح

در صفحه ۲

پیام به مناسبت چهل و نهمین سالگرد

تاسیس حزب توده ایران در صفحه ۳

"لبیک یا آمریکا!"

افشا، مذاکرات پشت سری نما بندگان  
خمینی وریگان در تهران، ختم وانزجار شدید  
مردم ایران و جهان را برانگیخته است. فاش شدن  
این مذاکرات بگونه‌ای عبرت‌آمیز است. فاش شدن  
دروغگوئی وریاگری رژیم ایران و دولت وریگان  
را در برابر جهان نشان به نمایش گذاشت وحتی  
متحدین و دوستان نزدیک آنان را نیز عبرت  
زده کرد. این رویداد در افشا، ماهیت و مقاصد  
ارتجاعی رژیم ملاما حرف آخر را زده و دیگر  
جایی برای روضه خوانی‌های "فدا میبایستی"  
آقایان باقی نگذاشته است.

اصل واقعه از چه قرار است؟ در این باره  
ماه گذشته مطبوعات و رادیو تلویزیون‌های  
سراسر جهان مطالب بسیاری گفته‌اند و از همه  
جریبات تا حد ممکن بهره برداشته‌اند. اگر  
بخواهیم چکیده اینهمه را در اینجا منعکس  
کنیم کافی است که به خلاصه‌ای از اظهارات  
آخوند رفسنجانی و رونا لدریگان اشاره نماییم.  
رفسنجانی که به نما بندگان از خمینی همه امور  
مربوط به احیاء و گسترش رابطه با آمریکا را در  
دست خود متمرکز کرده است، طی سخنانی به  
مناسبت ۱۳ آبان برده از ماجرا برداشت. او  
گفت که ژاپن یکی از واسطه‌های اصلی آشتی  
رژیم خمینی و دولت وریگان بوده و در جریان  
مخروبی به ژاپن، در این باره با وی مذاکره  
کرده‌اند. رفسنجانی درباره اقداماتی که پس  
از سفر ژاپن انجام گرفت، گفت:

"وقتی برگشتیم به ایران دنبال همین مسئله  
آقای نخست وزیر ژاپن یک نامه مفصلی به ما  
نوشت. من جواب دادم به آقای نخست وزیر  
ژاپن... بعد از جواب نامه من آقای فوجیوآمد  
ایران... او گفت آمریکا تنها... میخواهند  
حکومتی را از آنجا بکنند و حاضرند از خود  
حکم نیت نشان بدهند... نامه‌ای به آقای  
ناکا زونه نوشتیم که من تردید دارم که  
امریکا آنها را است بگویند ما دقیق باشند...  
گفتم اگر ما بفهمیم که آمریکا ما دقیق است ممکن  
است برای حل قضیه وارد عمل شویم... دنبال  
این... وزیر خارجه ژاپن با زنا مسئله  
نوشت و گفت که آمریکا بیها تهدید کرده است  
که ما دقیق باشند... آخرین بار خواهش کردم که  
سفیرشان به ما جواب مرشاد... بگوید..."

بدینگونه آخوند رفسنجانی باطلحد یسد  
خمینی بطور رسمی از آمریکا بی‌ها دعوت بعمل  
آورد که بیایند و مذاکره کنند. یک سری  
از موضوعات درخواستی رژیم ایران اجرائی  
قرار داده‌ای تسلیحاتی شاه - آمریکا بود که  
رقم آن بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار می‌شود  
رفسنجانی چند سال پیش یعنی در ۲۳ دیماه ۶۲  
درباره این قرار داده‌ها گفت:

"ما یک قرار داده‌ای داشتیم با آمریکا، یک  
جریان خرید بود، و زمان شاه از آمریکا  
اسلحه خریدند، در حدود ۲۰ میلیارد دلار (به  
ارزش ۲۰ میلیارد دلار)"

اوتا کید کرد که:  
"اجرای این قرارداد بدست آوردن این  
سلاحها برای مردم ایران شام واجب تر است."  
پس از دعوت رسمی رفسنجانی، هیات نما بندگان  
امریکا به سرپرستی مک فارلن به تهران آمد  
رفسنجانی درباره جریان سفر این هیات میگوید:  
بقیه در صفحه ۲

برخی شگردهای ساواک خمینی

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

همدستی خمینی وریگان برای ادامه جنگ و کشتار در ایران

هم میهنان مبارزان

مردم انقلابی و میهن پرست!

رژیم خمینی با رد بکرتیرکین خود را بسوی شما  
تسلیم کرده است. اکنون خیانت تازه رژیم به  
مردم و میهن ما در جریان است. این بار شیطان  
چهاران دست در دست شیطان بزرگ، امپریالیسم  
آمریکا نهاده است. آخوندهای مرتجع که سعی  
میکنند با شعار "مرگ بر آمریکا" خود را نزد شما  
انقلابی جلوه دهند، اینک کوس رسوایی شان در  
چهار گوشه جهان بصدور آمده است. همه دنیا متوجه  
شده است که رژیم خمینی درخفا و از مدتها پیش  
مشول معامله و مذاکره با آمریکا بوده است. هم  
دولت وریگان و هم رژیم خمینی فاش کرده‌اند که  
از یکسال و نیم پیش نقشه آمریکا برای نزدیکی  
و همکاری با رژیم خمینی به اجرا گذاشته شد و  
طرفین مذاکرات مستقیم و غیر مستقیم متعددی در  
این زمینه داشته‌اند. وریگان طی یک سخنرانی  
رسمی گفت که تماس‌های مخفی دولت‌های آمریکا

هشیارباشیم توطئه دشمن را خنثی کنیم!

رهنمود به واحدهای گروه‌های آسیب دیده  
در صفحه ۵

رأبه خمینی تحویل داد ولی تاکنون نام آنان  
را اعلام نکرده است اعدام شدند.

این روزنامه می‌نویسد که هدف‌ها از همه  
این اقدامات به هیچوجه سرنگون کردن رژیم  
خمینی نبوده است.

واشتگتن بست در افشاکری دیگری می‌نویسد که  
فروش اسلحه آمریکا توسط اسرائیل زیر نظر  
امریکا انجام میگرفته است و دلایل اسلحه  
شخصی بنام منوچهر قربانی فرد بوده که با  
نیم رودی از موباد، سازمان اطلاعات اسرائیل  
مرتبط بوده است. خلاصه‌ای از جزئیات نخست وزیر  
اسرائیل و موافقت کاخ سفید تحویل سلاحها  
را عملی میگردد است.

بدون شک آنچه که تاکنون بر ما ملتهف فسط  
گوشه بسیار کوچکی از قباقی است اما همین  
اندازه نیز کافی بوده که به خمینی و همدستان،  
هزارچهره اش فریاد کوبیده زند. این  
افشاکریها در عین حال صحت پیش بینی‌های  
سازمان ما را یکبار دیگر اثبات میکنند  
سازمان ما در بولتن حزب توده ایران و شوروی  
اهداف توطئه علیه حزب توده ایران و شوروی  
نوشت: "امپریالیسم اکنون در جمهوری اسلامی  
بدست عوامل ساواک، سیا، انتلیجنت  
سرویس موفق شده است به حزب توده  
ایران ضربه بزند" (ص ۹ حکم  
تاریخ پیش میروند)

این پیش بینی‌ها در آینده نیز با حفا سبق  
تازه‌ای که از برده برون میافتد باز هم  
اثبات خواهد شد و سران سالوس و مکار رژیم  
خمینی را رسواتر خواهد ساخت. آری، اکنون همه  
مردم بخوبی عامل "امدادهای غیبی" امام  
چهاران را بازمی‌شناسند و چشم خود می‌بینند  
که چگونه آخوندهای مرتجع طی سال‌ها، سال  
فرشتگان را برتن جاسوسان سیا نقش میکردند.

عملیات مشترک سیا و جمهوری اسلامی

در سرکوب حزب توده ایران و

توطئه علیه دیپلماتهای اتحاد شوروی

در آخرین لحظاتی که نشریه‌ها برای چاپ آماده  
میشد، اسرار بسیار مهم دیگری از همکاری آمریکا  
و سیا با جمهوری اسلامی فاش شد که رادیو آمریکا  
به نقل از روزنامه واشنگتن پست با آب و تاب به  
بخش آنها مبادرت نمود. مطابق این اطلاعات  
سازمان سیا از مدتها پیش نقشه‌ای را به اجرا  
گذاشته که هدف آن اولاً بستن جمهوری اسلامی  
با زنجیر آمریکا و ثانیاً سوق دادن آن به رودروئی  
با اتحاد شوروی بوده است.

به نوشته روزنامه واشنگتن پست سازمان سیا  
برای نزدیکی رژیم به آمریکا از یکطرف و ارسال  
مدنی‌ها را با میلیون‌ها دلار جبرمکروپه در یوزگی  
و اسلام‌نمایی در استان آخوندها روانه می‌ساخت  
و از طرف دیگر شاه پرستان را با میلیاردها دلار  
و تجهیزات مدرن و رادیوهای نیرومند بعسوان  
ولولوی سرخرمن و مشترک رژیم تقویت میکرد.  
به موازات اقدامات فوق، سیا با همکاری  
سازمانهای اطلاعاتی انگلیس توطئه‌ای را طراحی  
میکند که مطابق آن بی‌باست حزب توده ایران  
سرکوب شود، رابطه شوروی و ایران تیره گردد  
و هیستری ضد شوروی دام زده شود تا بدینوسیله  
راه برای احیای نفوذ آمریکا در ایران  
و بازگشت جمهوری اسلامی به طبقه محاصره  
شوروی تسریع گردد. مطابق این اطلاعات در  
توطئه مشترک سیا، انتلیجنت سرویس و ساواک  
خمینی علاوه بر سرکوب حزب توده ایران  
و بازداشت هزاران نفر و اخراج دیپلماتهای  
شوروی، نزدیک به ۲۰۰ نفر که سیاسی‌آنان

تلاش رژیمهای ایران و عراق برای

درگیر کردن برخی از نیروهای مبارز

- ☆ درباره یازدهمین کنفرانس جهانی صلح در صفحه ۶
- ☆ سرکوب و اعدام انقلابیون در بحرین در صفحه ۹
- ☆ اعدام انقلابیون در اندونزی در صفحه ۱
- ☆ ورزش دوستان در ایران رژیم در صفحه آخر
- ☆ مشکلات و مبارزات دانشجویان در صفحه آخر

- ☆ در این شماره
- ☆ رفیق غلام یحیی دانشیان درگذشت ..... در صفحه ۲
- ☆ برگزاری کنفرانس جهانی صلح ..... در صفحه ۳
- ☆ گامی دیگر در تبدیل شوراها به سندیکاها زرد و فرمایشی ..... در صفحه ۶

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

تیک ۴۰۵۰... یکی از هواپیماهایی که برای ما اسلحه ها (قاچاقی) آورد... اما زه گرفت که اسلحه ها را در فرودگاه مهرآباد پنهان کند... کمانی که بعنوان خدمه هواپیما اجاره و زود گرفت... بودند و نرفتند... اما طایفه ای برلندی هم بیجا دادا بودند... بیجا اسلحه ها دادند که این آقایان که از هواپیما پنهان شده بودند میگویند ما آمریکا - بیجا هستیم و برای مسئولان کشور شما آقای ریگان و مسئولین آمریکا بیجا آوردیم... گفتند که ما فارلن هستن و دیگر دونه دیگر هم زما ورین آقای ریگان ن هستند... بیجا آوردند برای مقامات ایران و هدیه های فرستادند آقای ریگان برای مسئولان کشور... هدیه برای هر کدام از آنها یکدانه اسلحه کمری آقای مک فارلن گفت که شانس در خانه تان آمده... آمده ایم مشکلات را حل کنیم... فضای شما در تصرف هواپیماهای عراقی است... ما آمده ایم مشکلات شما را حل کنیم!

فرتسجانی در جای دیگری از صحبتش گفت: "... آقای ریگان یکا انجیل را آورد استند یکی از آیات انجیل را توش نوشتند که مضمونش اینست که خدا با هم هستند و برای اهداف دنیا متحد هستند و این جور چیزها ریگان با خط خودش نوشته و امضا کرده برای اعتماد ما ...

اظهارات رونالد ریگان در باره مذاکرات دولت گفته های آخوند ایرانی را تکمیل و جایگاه واقعه را بر متن نقشه سیاست آمریکا بدقت ترسیم میکند. ریگان که زیر فشار مردم آمریکا و در نتیجه افشاشدن رسوایی آمیز نقشه سرآشکارا به توضیح شده بود، در این باره گفت: "اکنون ۱۸ ماه است که تماس های پنهانی ما با ایران جریان داشته است. در طول مذاکره با ایران اجازه دادیم مقدار کمی از سلاحهای دفاعی و قطعات بیدک برای تجهیزات دفاعی به ایران منتقل شود... ریگان در ادامه سخنان خود دیگر با علم کردن "خطر شوری و بر ملا ساختن مسمع استعماری امپریالیسم آمریکا در قبال کشور ما گفت:

"ایران دارای یکی از حیاتی ترین موقعیت های جغرافیایی است. ایران در مسیر شوری به آسیای گرم اقیانوس هند قرار دارد... علاوه بر موقعیت جغرافیایی اش منابع نفت ایران برای سلامت دراز مدت اقتصاد جهانی حائز اهمیت است. بدین دلایل مصالح ملی حکم میکند که مراقب تحولاتی در ایران باشیم که امیدی نسبت به بهبود روابط دو کشور بوجود میآورد... ریگان در ادامه سخنان خود با اشاره به سفر هیات آمریکا به ریاست مک فارلن به ایران افزود: "مک فارلن و مقامات ایران مدت چهار روز به نحوی مذاکره کردند...

ریگان با دفاع کرده مک فارلن از سوی بداری اختیار تمام برای مذاکره با ملاحظای ایران بود... مواضع مذاکره رژیم خمینی و دولت ریگان شامل مسایل متعدد اقتصادی، سیاسی و نظامی است که طبیعتاً می بایست به برقراری مناسبات رسمی و علنی میان دو دولت، در همه زمینه های فوق بیانجامد. در شرایط جاری مسئله همکاری دولت ریگان و رژیم خمینی برای ادامه جنگ

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان... بقیه از صفحه اول هموطن

رژیم تبهکار جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ ویرانگر برای ادامه کشتار و ویرانی، برای ادامه حیات تنگنای خود که سراپا بخون شریف ترین فرزندان این سرزمین آغشته است، وارد خطرناکترین معامله با امپریالیسم آمریکا شده است. رژیم خمینی تداوم جنگ و "پیروزی" در آن را بیجا سرنوشته خود عین می بیند و در این راه حاضر به هر بندوبستی است. از این رو آخرین دستاورد برجسته انقلاب بهمین، یعنی قطع نفوذ سیاسی و نظامی امپریالیسم جهانخواه آمریکا را اکنون وسیله معامله با بزرگترین دشمن مردم ایران و جهان قرار داده اند. ریگان و خمینی هر دو خواهان ادامه گسترش جنگ به قیمت نابودی ایران و عراق هستند. امپریالیسم آمریکا رژیم خمینی هر دو این جنگ ویرانگر بزرگترین نعمت میدانند. آمریکا و رژیم خمینی هر دو سرکوب و کشتار انقلابیست و همین برستان ایران و بخصوص کشتار و سرکوب کمیونیستها را میخواهند. آمریکا رژیم خمینی هر دو میخواهند مبارزات مردم ایران را سرکوب و صدای حق طلبانه شما خاموش گردد. ریگان و خمینی در توطئه علیه انقلاب افغانستان، در توطئه علیه جنبش انقلابی و ترقیخواه عراق، در توطئه علیه جنبش انقلابی منطقه و در خصومت

ویرانگر ایران و عراق در رأس دیگر مسایل قرار دارد. علت نزدیکی فزاینده جمهوری اسلامی به کشورهای امپریالیستی اساساً در ماه هیست بورژوازی این رژیم نهفته است. نثریبه کنار چهار ماه پیش در مقامی برای تحت عنوان "بعد از فرانسه نوبت آمریکا" (کار - شماره ۳۰) بار دیگر هم علت نزدیکی فزاینده ملاحظه به غرب و هم قریب الوقوع بودن آشتی آنها با آمریکا را مورد تأکید قرار داد و نوشت:

بنیاد رژیم جمهوری اسلامی بر غسارت توده های کارگر و رنجبر و انباشتن کبیسه سرمایه داران و استثمارگران، سرکوب مردم، جنگ طلبی و بربریت استوار است. در جهان معاصر هر رژیم با چنین مشخصاتی بطور عینی و بالطبع در چرخه "چوب" خانواده سرمایه - داری جهانی قرار دارد و از هر کجا که شروع کند و به هر ادعایی که بپردازد، راهی جز اتحاد و اتفاق با دیگر اعضای این دودمان کثیف و فدیستری ندارد. نمی توان در خانه واحدی زیست و تا اندک دیگرا اعضا و "بزرگان" خانواده قهر بر سر خود مخصوصاً با "شخص" خانواده چنان "عموماً" و اما همانگونه که ما آغاز گفتیم:

جنگ ایران و عراق عمده ترین اهرم امپریالیسم برای تسریع روند نزدیکی و اتحاد جمهوری اسلامی با غرب بود و هست. ما بارها و بارها بدقت چگونگی تاثیر جنگ در تسریع نزدیکی رژیم ملاحظه به غرب را باز کردیم و حتی شگردهای رژیم خمینی برای وسیله قرار دادن جنگ جهت آشتی با غرب و آمریکا را موبه مواضع گردانیم مادر شهید پور ماه سال ۶۲ یعنی بیش از سه سال پیش گفتیم:

"اخیراً در جمهوری اسلامی تعبیر خاصی دیگری از شعار "جنگ" مسأله اصلی است" ارائه میشود. محافل در حکومت و بهر آسون آن اینطور مطرح میکنند که گویی امپریالیسم مسأله اصلی نیست. مدام مسأله اصلی است، اکنون بیم آن میرود که در جمهوری اسلامی سیاست در پیش گرفته شود که به امپریالیسم میگوید: در هر حال ایران برای شما بهتر است. از عراق است. بجای مدام از شما حمایت کنید... (مسایل انقلاب و مواضع ما)

کارشما ۳ (اردیبهشت ۶۳) در مسأله تحت عنوان "ادامه جنگ وسیله سازش با آمریکا" همین تحلیل را باز کرده و اثبات نموده که جمهوری اسلامی "قطع حمایت غرب از مدام را وسیله نزدیکی و کنار آمدن خود با آن" قرار داده است. تمام رویدادهای این سالها بدقت و قاطعیت محتابین تحلیلها را اثبات کرده اند.

هم اکنون رژیم خمینی خواهان ادامه این جنگ "بهررکت" استند. آمریکا برای رام کردن کامل رژیم ملایان و تقویست مواضع خود در منطقه نیاز دارد که این جنگ تداوم باید و برای ادامه آن تاکنون به طریقی مختلف اسلحه در اختیار رژیم ایران قرار داده است. جمهوری اسلامی نیز برای ادامه این جنگ به اسلحه و دوستی آمریکا نیازمند است و برای پیروزی در جنگ حاضر است با "شیطان بزرگ" هزار بار بیعت کند. از این رو جنگ هم جاده صاف کن راه آشتی رژیم جمهوری اسلامی و دولت آمریکا است و هم حلقه اتصال اصلی در مجموع روابط و مذاکرات آنها. نکته مهم این است که رژیم خمینی از آمریکا میخواهد که در زمینه تامين تسلیحات

با کشور همسایه اتحاد شوری آماج های مشترک و همناوی های بسیاری دارند. بهمین علت این رژیم خائسانه و پنهان از چشم شما با شیطان بزرگ وارد معامله شده است

هموطنان! کارگران، زحمتکشان و روشنفکران مبارز!

روحانیون مرتجع ایران را سیاه پوش و عزا دار کرده اند، بها آزادی را بخون کشیده اند، سفره شما را خالی کرده اند، این دزخیمان جوانهای ما را میکشند، فرزندان انقلابی ما را به بند می کشند و سلاخی میکنند، حقوق و حرمت زنان را پایمال میسازند و به شرف و حیثیت همه مردم توهین میکنند. اینان اکنون برای ادامه این خونریزی ها و تبهکاریها بیجا معامله با امپریالیسم آمریکا نوشته اند. برای قطع این فجایع باید هر چه قاطع تر به شهید بر خیزیم. همه چیز در گرو عزم و اراده ما، در گرو اتحاد و مبارزه ما است. رژیم استم آخوندی در بحر سراز غوطه ور است. پایه های این رژیم هر روز مست تر میشود. در خود هیات حاکمه اختلاف و کشاکش هر روز شدیدتر میگردد. باید با عزم قاطع به شهید بر خیزیم. باید همه اشکال اعتراض و مبارزه علیه رژیم را گسترش دهیم. در سرانگشت باید بانگ زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی و مرگ بر

همان رابطهای را با وی برقرار کنند که با رژیم شاه برقرار کرده بود. یعنی بطور مشخص رژیم ایران خواهان اجرای تمام و تمام قرارداد های غارتگرانه تسلیحاتی شاه - آمریکا است. چنین خواستی بخودی خود بر تفرقه آمریکا برای سازش با رژیم مجموع مناسب است. مطابق مناسبات آمریکا با رژیم شاه انطباق دارد. لیکسن آمریکا برای اجرای این خواست خمینی نیاز داشت که به اندازه کافی به گسترش "روندهای درونی مثبت" در جمهوری اسلامی اطمینان یابد. تعمیق خصایل بورژوازی رژیم ارتجاعی ولایت فقیه و کارنامه خونین آن علیه کمیونیستها و انقلابیون ایران، دستمایه شیرومندیها اطمینان را برای آمریکا فراهم آورده است. تشدید دشمنی این رژیم قرون وسطائی بیجا کمیونیستها و ضدیت آن با اتحاد شوروی و جامعه شورهای سوسیالیستی سرچشمه اصلی امید و اطمینان امپریالیستها به آن است. در واقع انجیل اهدایی ریگان به خمینی تکیه و بی سر "اتحاد ادیان الهی" نمودار گویای آرزوی او برای ایجاد یک "خادمقدس" علیه اتحاد شوروی در این سوی خلیج فارس است.

افشاء مذاکرات سری یکسال ونیمه رژیم خمینی با دولت ریگان بر عوا مفریبی های ملایان ضربتی سنگین وارد ساخت و حتی در میان بیروان ساده دل و فسون شده "مام" تلاطم جنسی پدید آورد. اگر توجه کنیم که عده ای از شیروهای دین جمهوری اسلامی و طرفداران مام در صورت اعزیمید و افساء مذاکرات دست داشته و حتی چند آژانسان نیز در همین رابطه باز داشته شده اند آنگاه وسعت تاثیر این رویداد در کل کشور بیشتر آشکار میگردد. رژیم خود به حساسیت شدید مردم ایران نسبت به تشدید مناسبات فدیستی با دولت آمریکا واقف است. از همین رو طی این مدت بشدت کوشید تا مردم هیچ بویی از ساختن و ساختن های پشت پرده آنها با شیطان بزرگ نبرند. امروز نیز حکومت بدلیل هراس از مردم مصرانه سعی میکند تا زواید های زیر زیرکی وی با آمریکا بفرا موشی سپرده شود و با تسکین شعار های بوج ضد آمریکا به حاد شده سازبهای فریبکارانه خود را از مسیر سیل خشم و نفرت خلق کنار بکشد. اما به گواه اظهارات خود حکومتیان مذاکرات با آمریکا نه تنها قطع نخواهد شد بلکه کوشش میشود تا هر چه سریعتر در سمت بسط توافق و همکاری بین دو ارتجاع پیش برود و جنبه علنی و مشروع" بیابسد. پیش درآمد آشکار این وضعیت نامیمون مذاخله علنی و تأکید شده آمریکا در شعله و رنگا هداشتن جنگ ایران و عراق از طریق ارسال اسلحه به ایران است.

در چنین شرایطی همه شیروهای انقلابی می بایست با تمام قوا هرگز برای گسترش حداکثر افشاکری علیه اقدامات تبهکارانه رژیم خمینی بکوشند و یک لحظه فرصت عوامفریبی به آن ندهند. تعرض و تشا جم افشاکرانه ما در میان اقشار مختلف مردم، در میان طرفداران فریب خورده جمهوری اسلامی، در ارتش و سپاه و بسیج و حتی در همه مدرسه های علمی و مساجد و محافل مذهبی باید با قدرت و قاطعیت و بدون یک لحظه درنگ جریان یابد. باید کارگران، زحمتکشان و روشنفکران خلقی را با بهره گیری از همه امکانات تبلیغی نسبت به ایجاد خیزان رژیم آگاه کنیم و حداکثر نفرت و کین آنها را علیه این شیاطین حقیر و خونین جنگ برافروزیم.

امپریالیسم آمریکا را در سه رستاخیز و برای سرنگون کردن این رژیم خونخوار رهبا خیزیم.

زنده باد صلح، زنده باد آزادی سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با جمع آوری کمک های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

### فراخوان مشترک به کنگره جهانی صلح

در آستانه برگزاری "کنگره جهانی صلح" حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب کمونیست عراق (فراخوان زبیرا خطاب به نمایندگان "کنگره" انتشار دادند:

"به نام پیوندی کمونیستهای ایران و عراق گرمترین درودهای نیروهای صلح دوست ایران و عراق را به شما تقدیم می داریم و موفقیت کنگره جهانی را در پیشبرد امر صلح و صلح آرزو مندیم.

ما یلیم که توجه شما را به جنگ ایران و عراق جلب کنیم که با اقدام تجار و کارآرانه رژیم عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد و در رژیم همواره به ادامه و گسترش آن مشغول بوده اند. راه ورودیان جنگ نزدیک به یک میلیون کشته بیش از یک میلیون زخمی، معلول و مفقود، ۸۰ هزار اسیر و ۳۰ میلیون بی خانمان و پناهنده بسوده است.

این جنگ ویرانگر هجدهمین صدها میلیار دلار خسارت مادی بسیار آورده است، که از حساسیت استراتژیک فراوان برخوردار است به گمان تنش بدل کرده و امکان مداخله خارجی را افزایش بخشیده است. این جنگ تهدیدی جدی برای صلح جهانی است. راه می رود و ادامه آن تنها به سود امپریالیسم، صیونیسم و ارتجاع است.

رژیم های "تهران" و "بغداد" از جنگ برای تشدید سیاست سرکوبگری خود بهره می جویند. دهها هزار مین دوست ایرانی و عراقی در بندند و وحشیانه شکنجه می شوند. بسیاری از آنها اعدام شده اند و با زیر شکنجه جان باختند. صدها هزار عراقی و ایرانی در تبعید و مهاجرت اجباری سر می برند. قربانیان اختناق بخش های وسیعی از میان رزان مدجنک را در بر می گیرند.

رژیم عراق در جریان جنگ و با نقض تکلیف معاهده های بین المللی به کار بست جنگ افزارهای شیمیایی دست زده است - اقدامی که شش سوای امنیت سازمان ملل آنرا محکوم ساخت. هر دو رژیم، همواره با کشتار مردم غیرنظامی قوانین بین المللی را نادیده می گیرند.

رژیم ایران هزاران کودک و نوجوان را به جبهه های جنگ کسب می دارد.

"فراخوان صلح" ایران تنها نبردی است تبلیغاتی. ایران نهمه پیشنهاد های صلح سازمان بین المللی را رد کرده است. با توجه به واقعیت نا میرده، شما را به طلب خواسته های زیر فرامی خوانیم:

- پایان بیدردنگ جنگ ایران و عراق بر پایه مذاکره، تضمین حاکمیت ملی و استقلال دو کشور و آزادی مردم ایران و عراق در تعیین سرنوشت خویش.
- بازگشت نیروهای مسلح دو کشور به مرزهای طبیعی خود.
- پایان نقض حقوق بشر از جانب رژیمهای مستبد ایران و عراق، از جمله سرکوب نیروهای ضد جنگ.
- فرستادن هیات های ملی و بین المللی به دو کشور برای تحقیق درباره موارد نقض حقوق بشر و قوانین بین المللی.

با درودهای دوستانه

حزب توده ایران  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
حزب کمونیست عراق

اکتبر ۱۹۸۶

در کربلای منطقه ای و "پیشرفت و استقلال ملی" سخنرانی کردند. در این سخنرانیها، هیئات نمایندگی سازمان با ارائه فاکت ها و آثارها جنایت هولناک رژیم ددمش خمینی را افشا کرده و نتایج دهشتناک جنگ خانمانسوز ایران و عراق را برای شرکت کنندگان در کنگره توضیح دادند.

جنگ ایران و عراق دو اکثر کمسیون های "کنگره جهانی صلح" بعنوان یکی از مسائل مهم مطرح بود. در گزارش بخش "صلح و آزادی" آمده بود: "نظر همه نمایندگان این است که جنگ میان ایران و عراق باید بیدردنگ پایان یابد و مسائل میان دو کشور از طریق مذاکرات سیاسی حل شود.

در آستانه برگزاری این اجلاس، فراخوانی از جانب سازمان ما حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق خطاب به شرکت کنندگان انتشار یافت و وسیعا پخش گردید. متن این فراخوان در همین شماره نشریه کار درج شده است.

بر اساس ما رکیسم - لیننیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و برنامها و اساستها و احاد در حزب واحد طبقه کارگر ایران و طبقه خطیری است که در برابر کمونیستهای ایران قرار دارد. مبارزه ما و شما در راه حفظ و گسترش وحدت فکری و سیاسی سازمان و حزب و جلوگیری از اختلافات جهت دستیابی به برنامها و اساستها و احاد و هدف نیل به وحدت فکری و خدمت تا میسرین منافع طبقه کارگر ایران قرار دارد. برای وحدت همه پیروان و سوسیالیسم علمی در حزب واحد باید بین آنها در همکاری ها بر سر آماج ها و اهداف مشترک گسترش یابد، اشکال متنوع و موثر مبارزه آید و لولویک علیه هرگونه انحراف از ما رکیسم - لیننیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، علیه هرگونه انحراف راست و چپ در جنبش کمونیستی بیگروانه بکار گرفته شود و با تحکیم پیوند با طبقه کارگر روح اعتماد دوواضع بین جنبش تقویت گردد. بی گمان راه وحدت بفرنج و دشوار است، اما راهی است بیومونسی که نمیتوان بر پیچیدگی های آن چشم فرو بست.

رفقای عزیز!  
برای ما مسرت بخش است که حزب توده ایران در چهل و پنجمین سال حیات خود علیه بورژوازی سنگین سالهای اخیر در با ایستادگی از موجودیت خود و با شایسته و مبارزه با هر گونه سرکوبی رژیم مترج جمهوری اسلامی به مبارزه خود تداوم می بخشد. بی تردید با پیروزی جنبش انقلابی منهن ما است که صدای ما هر چه رساتر و شریات و شعارها را بر زمین هر چه گسترده تر به کارخانه ها و مراکز، به خیابانها و محلات تا جای طبقه کارگر و همه زحمتکشان شهر و روستا رمز پیروزی فرماد است.

ما اطمینان به پیروزی نهایی جنبش کمونیستی ایران که حزب کمونیست و حیدرخان بنی سادش نهادند، یک بار دیگر فرار رسیدن چهل و پنجاه کی حزب توده ایران را به شما رفقای عزیز تبریک گفته و برای همه رفقای همسنگر خود در مبارزه راه سرکوبی و مترقی جمهوری اسلامی بخاطر صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم آزادی موفقیت و پیروزی داریم.

با درودهای رفیقانه  
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران  
(اکثریت)  
پنجم مهر ماه ۱۳۶۵

کمیسیونهای بی بی سی، مون موضوعات مطرحه توسط سازمان ملل در سال جهانی صلح و مرکز جوانان و مرکز زنان تشکیل شد. این موضوع با عبارت بودند از: صلح و عدالت، صلح سلاح، صلح و رهایی، صلح و حقوق بشر، صلح و نیازهای انسانی، زندگی برای صلح و صلح و اعتماد.

نمایندگان و جمعیت ها و سازمانهای صلح از ۱۲۲ کشور پیرامون موضوعات بالا به بحث و تبادل نظر پرداختند.

برگزاری این کنگره که بدون شک نقطه عطفی در جنبش صلح طلبانه بحساب می آید، با کار رنگی و فشار نیروهای مخالف صلح در طی ۱۸ مه تدارک کنگره مواجه گردید. کنگره از زهرگوشه کمالی دولت محافظه کار دادنا رگ بی بهره بود و با تحریم اغلب مطبوعات بورژوازی روبرو گردید. آنسان علیه نیروهای صلح طلب به تبلیغات گسترده دست زد و شرکت کنندگان در اجلاس را "عوامل مسکو" نامیدند. در جریان برگزاری کنگره، محافظه کاران ارتجاعی دادنا رگ و سازمان جوانان در مسکو محاکمه گردیدند و دستجات معلوم الحالی را سازماندهی کرده و کوشش هایی برای ایجاد تشنج و برهم زدن اجلاس بعمل آوردند، ولی این تلاشهای مذبحانه مؤثر نباشد.

شرکت کنندگان در کنگره جهانی صلح در پایان اجلاس اعلام کردند: "ما درخواست می کنیم که به منظور صلح سابقه تسلیحات بیروزی زمین، جلوگیری از گسترش آن به قضا و برای نابودی انواع سلاح های هسته ای، بمشابه اقدام عاجل آزمایش سلاح های هسته ای بغوریت متوقف گردد و به برنامه های جنگ تسلیحاتی پایان داده شود." شرکت کنندگان بعد از پایان اجلاس در میدان شهرداری در میتینگ با شکوهی گرد هم آمدند و پشتیبانی خود را از هدف های "صلح جهانی صلح" اعلام کرده و بردفاع از صلح جهانی پای فشردند.

از سوی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هیاتی به سرپرستی رفیق مهدی فتاح پور عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان در کنگره جهانی صلح شرکت نمود. نمایندگان سازمان ما در جلسه "صلح و حقوق بشر" "حل مسالمت آمیز

### پیام به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران

رفقای گرامی!  
همراه با درودهای رفیقانه فرارسیدن چهل و پنجمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران را به شما و همه اعضا و هواداران حزب برادر تبریک می گویم.

حزب توده ایران بمشابه حزب طبقه کارگر ایران وادامه دهنده راه حزب کمونیست ایران قدیمی - ترین نیروی ترقیخواه کشور است که طبعی نزدیک به نیم قرن فعالیت خود در راه تحقیق آرزوهای بزرگ توده های میهنمان رزمیده و بهمین دلیل همواره آماج ستیز و سرکوبی امپریالیسم و ارتجاع و ارتجاع قرار داشته است. رژیم ارتجاعی و سرکوبگر خمینی نیز در پیوروشهای الهی اخیر از همان موضع خصومت نسبت به ما هیبت مردمی و انترناسیونالیستی حزب شما دست به چنایت زد. اما حزب توده ایران علیه رژیم این یورشهای بربرمنشانه با زهمچنان با برجا ماندن رژیم مترج و مستبد خمینی در رسیدن به آرزوهای ما و هم در ارتجاعی نا بودی حزب ناکام گردید.

رفقا!  
اکنون در آستانه چهل و پنجمین سال تاسیس حزب شما، میهن ما یکی از سیاه ترین مراحل تاریخ خود را میگذراند. رژیم ارتجاعی خمینی با تسادوم جنگ جنایتکارانه و خانمانسوز، با تشدید خفقان و قرون وسطایی و با حمایت بی دریغ از ارتجاعی و سرکوبگر خمینی نیز در پیوروشهای الهی اخیر از همان موضع خصومت نسبت به ما هیبت مردمی و انترناسیونالیستی حزب شما دست به چنایت زد. اما حزب توده ایران علیه رژیم این یورشهای بربرمنشانه با زهمچنان با برجا ماندن رژیم مترج و مستبد خمینی در رسیدن به آرزوهای ما و هم در ارتجاعی نا بودی حزب ناکام گردید.

تاجا دعمل و همکارانی مترقی برای

### برگزاری کنگره جهانی به مناسبت سال جهانی صلح

از روز پانزدهم تا نوزدهم اکتبر کنگره جهانی بمشابه سال بین المللی صلح در کربلایک پایتخت دادنا رگ برگزار گردید. در این کنگره بیش از ۱۰۰۰۰ جنبش فد جنگ، نزدیک به ۶۰ سازمان بین المللی و بیش از ۲۳۰۰ نماینده شرکت داشتند. شعاری که بر تارک کنگره نقش بسته بود، عبارت بود از: "برای حفظ صلح و آینده بشریت."

در این کنگره که می توان آنرا بیسکی از برجسته ترین گردهمایی های ضد جنگ بحساب آورد، شرکت کنندگان تنها ما بردفغ بلبله جنگ هسته ای و جلوگیری از مسابقت تسلیحاتی و گسترش آن به قضا تا یکدیگر کردند.

خا و پربرز دو گوشه را در بیکرک سازمان ملل متحد پیام تلویزیونی برای شرکت کنندگان فرستاد. لاقونگر رئیس کنگره در نطق افتتاحیه آن از بسبب نتیجه مانندن مذاکرات ریکیا و یک اظهارتاسف کرد و اظهار داشت: "سلاحهای هسته ای چیزی فراتر از سلاحهای جنگی هستند، سلاحهای هسته ای سلاحهای نابودی جمعی هستند، سلاحهای هسته ای ابزاری برای نابودی نوع بشر و تمدن و حیات بشری است. سیاره ما هستند، بیدرستی گفته شده است که ما اولین نسلی هستیم که به این توان بالقوه برای نابودی زندگی بروی کره زمین دست یافته ایم. سرنوشت بشریت بر لبه پرنگه قرار گرفته است. انتخاب مرگ و زندگی در مقابل چهره جهان قرار گرفته است. رئیس کنگره گفت: "طرح دفاع استراتژیک، جنگ ستارگان، تهدیدی است در جهت افزایش مسابقه تسلیحاتی و گسترش آن به قضا" و "اکنون ما و تمام نیروهای صلح در جهان می باید تلاش های فوق العاده ای را صرف توقف مسابقه تسلیحاتی و محور نابودی تمام سلاحهای هسته ای بر روی زمین کنیم. کنگره ما همگاری اساسی و ارزشمندی را در راه تحقیق بین هدف با هر ریزی خوا هذکرد. برای تأمین صلح و آینده بشریت، بعد از اجلاس افتتاحیه کنگره، در ۷ مرکز

### تلاش رژیم‌های ایران و عراق برای درگیر کردن برخی از نیروهای مبارز

در ۱۵ مهرماه، در یک حمله ناگهانی و بسیار ناآشنا و رازسوی نیروهای جلال طالبانی سرمد مجاهدین خلق که در روستای پشت آشان لیبیا تبعه صورت گرفت، ۱۵ نفر از نیروهای مجاهدین کشته شدند و سلاحها و وسایل آنان ربوده شد. در درگیری قبلی افراد طالبانی با مجاهدین نیز ۴ مجاهد کشته و وعده دیگری زخمی شده بودند. علاوه بر آن سازمان مجاهدین اعلام کرده است که تحت فشار نیروهای "اتحادیه میهنی" تعدادی از قزاقهای خود را تخلیه کرده است. در این اوخر ماجا همدین ۴ مفرور که برای ساختمان ۱۰۰ میلیونی ۲ تومن هزینه صرف کرده بودند به درخواست طالبانی منجر نشده و سه مفرور دیگر را نیز تخلیه کردند.

پس از حادثه "پشت آشان" مجاهدین سیاست مقابله به مثل با نیروهای طالبانی را در پیش گرفته و این جریان را مزدورسانگاری و دزدی مجاهدین اعلام می کنند. اکنون در نتیجه حملات طالبانی و تغییر سیاست مجاهدین در برابر آنها، امکان گسترش درگیری های خشن بین دو طرف افزایش یافته است.

در علت یابی درگیری های اخیر طالبانی و ماجا همدین باید سیاست خمینی نسبت به کردهای عراقی و سیاست صدام نسبت به بخشی از اپوزیسیون خمینی را که از کمکهای رژیم عراق بهره مند است مورد بررسی قرار داد. در دوره های اخیر که رژیم های عراق و ایران به درگیری با یکدیگر کشیده شده اند، تلاش هر یک از آنها جهت بهره گیری از اپوزیسیون رژیم مقابل در نقشه های آنها جای مهمی داشته است. در این مورد، از گذشته نیز نمونه های بسیاری در دست است. همه بیا داورند که رژیم شاه چگونه از ملامطقی بارزانی علیه رژیم عراق استفاده می کرد و چگونه بعد از برپایی او را خالی نمود و در اثر این سیاست شاه، جبهه ضرات مملکتی به جنبش ملی خلق کرد و در عراق وارد آمد. در همان زمان نیز رژیم عراق متقابلا نیروهای اپوزیسیون را علیه رژیم شاه تقویت می کرد. امروز نیز صدام و خمینی همان سیاست را تکرار می کنند.

سیاست جمهوری اسلامی تا چندی پیش متشکل کردن نیروهای عراقی بیروولایت فقیه و تبدیل آن به آلترناتیو رژیم صدام در برابر آلترناتیو واقعی یعنی جبهه خود بود. بر این راستا رژیم خمینی جریان موسوم به مجلس اعلای انقلاب اسلامی را سرهم بندی کرد و کوشید که سایر نیروهای مخالف صدام را حول این جریان گردانی کند و در این حال رژیم تلاش می کرد که بخشی از کردهای عراق را نیز تنظیم کند و به خدما هدف خود در آورد. تلاش اصلی متوجه آمدن کردن یک آلترناتیو دست نشانده از نوع خودش بود. گذشت زمان به ملاحظاتی که در منطقه و نه در عراق کسی از آلترناتیو دست نشانده آنها و ایضا از یک رژیم سفاک ولایت فقیه ای در عراق استقبال نمی کند، بسیاری از کشورهای خاورمیانه و منطقه عراق با آن مخالف و آماده مبارزه علیه آن هستند. از این رو رژیم خمینی مجبور شد که در نقشه های خود برای نیروهای اپوزیسیون صدام تغییراتی را وارد کند. از آن جمله سران رژیم ایران پذیرفتند که مجلس اعلای معروف با برخی دیگر از نیروهای اپوزیسیون عراق متحد گردد. تلاش سران رژیم ایران این است که از این طریق، از یک سو امکانات جدیدی برای مجلس کذاب می گشاید و از سوی دیگر حزب کمونیست عراق را کسب ریزند و پیاپی آنها را کمالات خود به خود بدست گیرند و بدین ترتیب جبهه خود را متلاشی کنند و از طرف دیگر تحولات آتی عراق را به سوی افداف واقعی خود دست دهند.

مطابق اطلاع خبرگزاریهای غرب در نیمه اول مهرماه ۶۵، اپوزیسیون مذهبی و غیرمذهبی رژیم عراق در جلسه مشترکی که در امینان تشکیل شد، شرکت داشته اند. این اولین بار است که نیروهای مذهبی طرفدار خمینی و نیروهای کسری عراق در یک گروهی دور هم جمع می شوند. جمهوری اسلامی هیچگونه اطلاعی درباره این کنفرانس انتشار نداد و است. اما مستقل از اینکه تکیه بر این کنفرانس تصمیماتی اتخاذ شده یا نه، تشکیل این اجلاس در راستای تصمیمات و تغییرات فوق الذکر سران رژیم خمینی است.

در شرایطی که همه خواهان صلح و خاتمه دادن به جنگ بین دو کشور هستند، جلب همکاری و حماسه سیاسی یک اتحادیه نفوذ و مستقیم مخالف رژیم عراق از جمهوری اسلامی برای توجیه سیاسی تجاوزات جنگ طلبان رژیم ایران مورد استفاده قرار

می گیرد. رژیم ایران از اینکه نگردد و همی ها به اصلاح آلترناتیو سازی ها به سودا نام جنگ بهره برداری می کند. علاوه بر آن در جمهوری اسلامی به موازات و در جهت سیاست فوق جمهوری جدا کردن نیروهای کرد عراقی از حزب کمونیست عراق و متحد کردن آنها با جریان ملی مذهبی طرفدار خود، بطور جدی دست بکار شده اند. رژیم ایران در مردداست که یک جبهه نیرومند نظامی در شمال عراق در برابر صدام بگشاید. جبهه های با تکیه بر تسلیحات و نیروی نظامی جمهوری اسلامی و آشنایی نیروهای کرد عراقی به منطقه می توانست مشکلات جدی را برای تا سیاست نفی عراق و نیروهای نظامی آن بوجود آورد. همه این دلایل است که زشرالهای عراق اخیرا قوای نظامی خود را در مرز ترکیه و عراق آماده نگه داشته اند. سران رژیم در عین حال این هدف را نیز دنبال می کنند که نیروهای کرد عراق را علیه مجاهدین و دمکرات ها و سایر نیروهای مترقی ایران کسب در شمال عراق مستقر شده اند به جنگ و اداریستد و امکان فعالیت آنان را در کردستان از برابری بستن مرز ایران و عراق و به حداقل ممکن برسانند. جمهوری اسلامی قیلا این تاکتیک را پس گرفته و نیروهای بارزانی علیه حزب دمکرات کردستان ایران بکار گرفت. خبرها یکی که از طرف جمهوری اسلامی انتشار یافته نشان می دهد که سران رژیم موفق شده اند نیروهای مهم کرد عراق را در این دام گرفتار کنند. اکنون معلوم شده است که راههای اخیر نیروهای طالبانی و صدام در خمینی در یک رشته عملیات نظامی علیه صدام و مواج مجاهدین با یکدیگر همکاری می کرده اند. حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری ادریس بازرانی نیز از مدت ها پیش به همکاری با رژیم تمایل داشته است. اکنون همکاری به جانبه آنها طی یک اجلاس رسمی که ادریس بازرانی و جلال طالبانی و نماینده جمهوری اسلامی در آن شرکت داشته و در تهران تشکیل شد، در چارچوب یک قرارداد سه جانبه رسمیت یافته است. جمهوری اسلامی ۱۷۲۰۰۰ نفر از بخش از کردها را که به مبارزه علیه صدام مربوط می شود، اعطای سلاح اما طرفین سایر موارد دیگر زمینه های توافق را همچنان پنهان نگه داشته اند. بدون شک رژیم خمینی تلاش کرده است که با رزانی و طالبانی را در آرزای دادن پول، سلاح و خدمات تکنیکی به جنگ علیه دمکراتها، مجاهدین و سایر نیروهای مترقی ایران که در کردستان ایران و عراق مستقر شده اند، نیز وارد کرد.

در تکمیل تلاشی فوق اخیرا (۲۷ آبان) در تهران اعلام شده که خمینی کنفرانسی با شرکتی در شخصیت ها و گروه های مخالف صدام ترتیب می دهد. این کنفرانس در اواسط دیماه سال تشکیل خواهد شد و موضوع مهمترین موضوع آن اتخاذ خطی هماهنگ علیه صدام و بررسی نحوه اداره عراق پس از صدام است. رژیم صدام نیز به توطئه خود از مدت ها پیش در مقابل خمینی به تقویت دید مجاهدین پرداخته است. صدام از شرایط دشواری که در اثر توطئه مشترک خمینی و شیراک برای سازمان مجاهدین بوجود آمده بود، بخوبی بهره برداری کرده است. اجازه داد که رهبری مجاهدین در عراق مستقر شود و امکانات گسترده ای در اختیار آنان قرار داد. بدین ترتیب صدام در برابر اتحادیه جمهوری اسلامی، "مجلس اعلای بازرانی و طالبانی" متحد اتحادیه مجاهدین و اقدام کرده است. این اتحادیه و تکیه روز افزون سازمان مجاهدین خلق علیه صدام بهر حال به سود صدام عمل می کند. چرا که اولاتی مجاهدین در شمال عراق مستقرند، شرایط برای آنها بگونه ای است که به درگیری با نیروهای کردگشا نده خواهند شد. تجربه نشان داده است که مجاهدین نتوانسته اند سیاسی اتخاذ کنند که این توطئه ها را خنثی کند. آنها علاوه بر رابطه خود را با نیروهای ملی کرد نیز کرده اند آنها روابط فیما بین با حزب دمکرات کردستان ایران را بغیر از دستا نه کردند. روابط آنها با سازمانها ی چپ ایران که در کردستان نیرو دارند، خصمانه است. اتحادیه میهنی را دشمن خود معرفی می کند، هر گاه که ای خود دارد. آنها ستاد رهبری خود را در جایی مستقر کرده اند که داخل و رابط بینا سب را با نیروهای محلی آن ندارند. هر فرد آگاه می دانند که برای فعالیت مجاهدین در کردستان و وجود روابط دستا نه آنها با نیروهای کرد ضرورت دارد. بنابراین تیره کنونی به خمینی و ایضا صدام فرصت امکان می دهد که آنها را به جانی هم پیاپی سازند. مجاهدین پیش از پیشخواه مند فیکه با سفر با صلاح تا پیمای به جایی نرفته اند که میگویند، می شود "خواست های خلق را لبیک گفت". بنابراین صدام با اتحادیه مجاهدین این متناهی بدست آورده است که در موقع لزوم، مثلا زمانی که صلح در چشم انداز روایت دو کشور قرار می گیرد، امتناهی از جمهوری اسلامی

### رفیق غلام یحیی دانشیان درگذشت

"نامه مردم" در شماره ۱۲۲ خود اطلاع داد که رفیق غلام یحیی دانشیان از رهبران برجسته جنبش دمکراتیک خلق آذربایجان در سالهای ۱۳۴۴-۴۵ عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از یک بیماری دراز مدت درگذشت.

رفیق غلام یحیی دانشیان در سال ۱۳۸۵ در یکی از روستاهای سراب بدنیآ آمد و همادند هزاران زحمتکش دیگر در راههای جوانی به همراه پدرش برای بافتن کار به باکو رفت و در ستایخ نشت این شهر به کارگری پرداخت. او در سال ۱۳۱۶ همچون صدها مهاجر دیگر به ایسران بازگشت و بحرام فعالیت سیاسی در سال را در زندان رضا خان فراکود پس از آزادی برای دورماندن از دسترس پلیس با تغییر نام در راه آهن میان راه با سمت مساکنیک استخدام شد.

رفیق دانشیان پس از شهریور ۲۹ فعالیت انقلابی خود را گسترش داد و پس از شهریور ۱۳۲۴ به همراه رجل برجسته جنبش کمونیستی کارگری ایران، سید جعفر همیشه وری در سازماندهی مبارزات خلق آذربایجان رژیم شاه و خوانین با تمام توان کوشید. او یکی از سازمانگران نبضت ۲۱ آذر در آذربایجان بود و فرماندهی فدائیان در آزادسازی شهرهای میان راه سراب و شیراز را برعهده داشت. "غلام" در مبارزه علیه فئودالها و مرتجعین وابسته به رژیم شاه در میان توده های مردم به یک قهرمان مسلح گشت و از سوی حکومت ملی به درجه "ژنرال" ارتقا یافت.

پس از آنکه نبضت دمکراتیک خلق آذربایجان در نتیجه یورش ارتجاع به شکست انجامید، رفیق غلام به همراه هزاران تن دیگر راه مهاجرت در پیش گرفت و پس از عمری زندگی و فعالیت پر فراز و نشیب، سرانجام پس از یک دوره بیماری دراز مدت درگذشت.

ما درگذشت رفیق دانشیان را به کمیته مرکزی حزب توده ایران و بازماندگان او تسلیت می گوئیم.

بگیرد. مگر خاک شیراک با رژیم خمینی معا طسه نکرد و صدام آن عمل را تکرار نکند. او یک دیکتاتور فساد ست و برای رسیدن به اهداف بلید خود مثل خمینی بهر کاری دست خواهد زد. او که درنا بود کردن ایران با خمینی سابقه کذائیه است چرا زمانی که منافع رژیمش ایجاب می کند علیه مجاهدین با خمینی سابقه نهد.

نیروهای کردی که با جمهوری اسلامی متحد شده اند با بدست دوطئه های آن را بدرستی شناخته اند، آنها را تجربه ملامطقی بارزانی را مرور کنند، معلوم خواهد شد که خمینی می خواهد بازی شاه با بارزانی را اینبار با آنها آغاز کند. رژیم خمینی رژیم سفاکی است که فردا از اقلهات را در برابر کردهای عراق بکار خواهد گرفت. این رژیم بیش از ۷ سال است که صدام کردهای ایران همین رفتار را می کند. تجربه گذشته ای آموزنده کردهای عراق در مبارزه علیه صدام نباید به رژیم خمینی متکی شوند. آنها نباید با این رژیم علیه مجاهدین و دمکراتها و سایر نیروهای مترقی ایران متحد شوند. چنین سنی اتحادی یک اشتباه سیاسی بزرگ خواهد بود که دود آن به چشم خود آنها رسد. این خواهد شد که مردم کردی ایران های تا سب بارین حزب دمکرات کردستان ایران و کومله و حملات نظامی گذشته کردهای عراق علیه یکدیگر به زبان آنها به سود خمینی و صدام تمامند.

این وضعیت در عین حال هشدار می است به سازمان مجاهدین خلق ایران که برای خروج از وضعیت دشواری که می توانند برای آن خطرات جدی را بدید آورد، چاره اندیشی کند. چاره های گم گشته این اتحادیه صدام و روی آوردن مجاهدین به اتحاد با نیروهای مترقی در منطقه و در ایران است. تنها چنین اتحادی است که مجاهدین را از دام صدام می رها نند و امکان خنثی کردن توطئه تفرقه افکنانه جدید خمینی را فراهم می کند. اگر مجاهدین راه نزدیکی با سازمانهای مترقی کرد را در پیش نگیرند، وضع آنها در کردستان از این هم بدتر خواهد شد. مجاهدین گذشته اند که به این دلیل در عراق مستقر شده اند که جنبش خود را به دست رهبری می کنند. اگر آنان همین دلیل را به دنبال عمل و منافات خود با جنبش ملی کرد قرار دهند نباید بگذارند که خود را به درگیری با نیروهای مترقی سازند، چرا که این درگیریها بهر نتیجه ای که بیا نماند، مجاهدین را در کردستان منسزوی خواهد کرد. بیاید مدچین وضعی به همه نیروهای مترقی ایران و عراق در منطقه آسیب وارد می کند.

## مرگ پر جنگ و استبداد، زنده باد صلح و آزادی

### هشیار باشیم توطئه دشمن را خنثی کنیم!

#### رهنمود به واحدهای گروههای آسیب دیده

رفقای عزیز! همانگونه که اطلاع دارید رژیم پلید جمهوری اسلامی، طی یکسال و نیم اخیر در حالیکه مخفیانه به معنای ادما جنگ مشغول بود، با همکاری ما موران سیا و ساواک برای شناسایی مسئولین و فعالان تشکیلات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، تمام نیروی اهریمنی خود را بکار انداخته، بسود رژیم پلید خمینی در هر اسازگشترش بیوقفه رزم افتخار آفرین شما فدائیان خلق ایران و در وحشت کشنده ارزشدور افزون ناز فاشی و خشم خودهای از جنگ و فشار محیبت با رگراشی و بیگاری خودکامگی خونبار رژیم آخوندی، در حالیکه طی سه سال تلاش مدیوحانه با رها نشدن هایش به نیروی هشیاری و مقاومت حماسی شما نقش بر آب گشته با ردیگریس از موفقیت بزرگ سازمان در برگزاری پانوم وسیع فروردین ماه ۶۵ و با مشاهده دستاوردهای آن، از حمله افشای همه جانبه و عمیق ماهیت ضد مردمی رژیم و عزم قاطع و متحد و یکپارچه سازمان برای ادامه نبردی تا پای جان با رژیم حاکم، یورش و خشیانه علیه فدائیان خلق ایران در سراسر کشور سازمان داد.

رژیم پلید خمینی با استفاده از تمام اطلاعاتی که طی سال حکومت منحوس خود گرد آورده بود، با کستردن وسیع ترین و طولانی ترین تورهای شغب و مرامت و بیالاشه با شکنجه وسیع رده میثانسه و بنگلی بیسابقه، با اسیر کردن هرفرقی کوشید - فعالیت اوچ گیرنده سازمان را فلج و خلق ایران را از فدائیان محروم سازد. رژیم این بار قصد کرده هر آنکس که به وی ظن فعالیت انقلابی و رابطه با سازمان برده است را به هر وسیله ممکن به اسارت کند. اما رژیم در برابر هشیاری و عزم رومی و رزمندگان فدائی ما دگی ما برای مقابله با این توطئه شوم در مانده تر از آن بود که بتواند این جنایت را عملی سازد.

ه گارهای جاری اساساً از طریق ارتباطات غیر مستقیم انجام شود و ارتباطات مستقیم حضوری فاقد پوشش طبیعی و غیر قابل توجهه بین اسرا و احداً بدینجه حد اقل ممکن تنزل با بد قرار ههای سلامتی و نظریه پستی در حرجال منظم کنترل شود. رفقای که با یکدیگر ارتباط سازمانی دارند باید بهر طریق مداوم از اسارت یکدیگر مطلع گردند. (حتی الامکان روزی یکبار) بعد از ارتباط مجدداً رفقای که دستگیر شده و آزاد میشوند و یا به نحوی مورد مراجع پلیس قرار گرفته اند با هم وقتاً منقطعاً تماس پیدا کنند. تماس غیر مستقیم و وقت در صورتیکه چنین ارتباطی خطری ایجاد نکند، به منظور کسب اطلاعات و بر اعات احتیاطات لازم مجاز است. چنین تماس هایش نباید تسدوم باشد.

#### ب برای تامین ارتباط واحد با سازمان و ادامه کاری

۱- ارتباط واحدهای گروههای آسیب دیده با سازمان در مرحله کنونی صرفاً از طریق خسراج از کشور برقرار میشود. واحد مربوطه (حوزه، هیئت، ... ) میباید کلیه راههای ممکن برای برقراری ارتباط با خارج را بررسی و مطمئن ترین آنها را با یکبار گیرد. اقدام به تلفن از داخل به تلفن های مراکز ارتباطی سازمان در خارج و یا ارسال نامه برای برقراری ارتباط به آدرس های تشکیلاتی (علمی و غیر علمی) غیر مجاز است. با ادا از مکاتبات دوستان و آشنايان قابل اعتماد اعفای واحده در خارج در جهت برقراری رابطه با سازمان استفاده شود. تماس مستقیم با سازمان با بدینجه به وظیفه مهم واحدها حصول نتیجه و برقراری ارتباط منظم توسط واحدهای گمراهه دنبال شود.

۲- اعضای واحدهای بدون ارتباط با بدی برای بدست آوردن نشريات سازمان بطرق مقتضی اقدام کنند. نشريه کارگانال علمی ارتباط رهبري سازمان با هر واحدی از طریق اتمی دادهای فعالیت سیاسی توده های تبلیغی آن است. رادیوی زحمتکشان نیز راههای فعالیت واحدها و وسیله ارتباط با آنهاست. گوش دادن به رادیوی زحمتکشان در وضبط بر نامه های آن به منظور بهره گیری در فعالیت تبلیغی، توده های سازمانگرانه از وظایف واحدهاست.

۳- برای ارسال اخبار و اطلاعات سیاسی برای رهبری می توان از طریق پست کردن نامه برای آدرس های که در خارج می شناسید اقدام کنید. این نامه ها نباید به هیچگونه اطلاعاتی قابل پیگیری ورده ادا شده باشد.

۴- واحدهایی که ارتباط آنها با سازمان قطع است، طبیعتاً همچنان به فعالیت خود بهیچا به یک حوزه سازمانی در همه جهات فعالیت حزبی ادامه خواهند داد. منتهای در شرایط کنونی میباید وظایف سگانه زبرد مردمی توجه واحد را بگرداند:

اول: حفظ امنیت خود، دوم: تامین ارتباط با رهبری، سوم: کمک به تقویت حضور سازمان در جنبش از طریق فعالیت تبلیغی (وظیفه سوم عمدتاً از طریق نشريه، بخش اعلامیه و تراکت گاه از نشريه کارورادیوی زحمتکشان اخذ و تشکیلاتی می شوند و از طریق شعرا نویسی - با کتاب و پروپیگنדה آن دوران مرحله - به انجام خواهد رسید. این کار می کنیم همه اقدامات و فعالیت ها در دوره ای که پیش رود انجام، باید تحت اشعاع حفظ خود و ارتباط خود و ارتباط با رهبری قرار گیرد.

الف: برای حفظ ارتباطات و امنیت واحد

۱- رفقای این واحدها (حوزه ها، هسته ها...) در شهران و شهرستانها که ارتباطات طبیعی ماه های اخیر با لاطع و بیادجا را خنثال بوده است میباید ارتباط خود را با سایر بررقای واحدها حفظ کنند. مشروط بر اینکه از تابستان ۶۵ تسام کنون منظم از ارتباط وجود داشته و از سلامت امنیتی یکدیگر اطمینان کامل داشته باشند.

این ارتباطات میباید صرفاً در جهت رجوع و ارتباطات درون خود و اعفای و هواداران تحت مسئولیت آن محدود بمانند. کلیه ارتباطات و مکاتبات نامطمئن در حوزه عمل و احداً بدینقطعا رها شود.

۲- واحدهای باقی مانده از گروه های سازمانی آسیب دیده بهیچ وجه مجاز نیستند تحت هر عنوان با سایر واحدهای همان گروه ارتباطات تازه برقرار کنند. در صورتیکه این ارتباطات در تابستان سال ۶۵ با پس از آن برقرار شده باشد باید قطع شود. افرادی این واحدها به هیچوجه نمیباید با افراد سایر واحدها تماس بگیرند. این واحدها متقلاً بلامجاز نیستند هیچگونه ارتباط تشکیلاتی را از سایر واحدهای سازمانی (اعم از آسیب دیده و تسام) بدیگرند.

۳- مقدم ترین وظیفه واحد، کنترل امنیتی ارتباطات و مکاتبات و احداً رفقای تحت مسئولیت آن است. در شرایط کنونی میباید توجه عمده، تنگ اعمای واحدها و کنترل و چک امنیتی ارتباطات و مکاتبات و افراد تحت مسئولیت و مربوطه واحدها مرکز شود.

۴- رفقای که تحت خطر قرار گرفته و احتمال می دهند پلیس از آن اطلاعات با سرخ هاشمی بدست آورد یا آوره باشد یا بدینجه وقت و محاسبه محل کار روزیگی خود را تغییر دهند و یا بدی برای پاک کردن تمام ردها به گونه ای سنجیده اقدام نما بیند و بیوجه نیاید از مکاتبات رفقای با زدا شتی یا تحت شغب و مرامت و یا مکاتبات تشکیلاتی که رفقای با زدا شتی از آنها مطلع بوده اند، استفاده شود، در تفریل و انتقال محل کار روزیگی با بدینجه مناطق کارگری و زحمتکش نشین اولویت داده شود.

رفقای عزیز! از آنجا که دشمن در دستگیری بهیچیک از امکانات ناگام مانده است در مورد شما را بگفت باقی مانده گروههای فریه خورده است. به این جهت با یتی به آرامی تشکیلاتی و هوشیاری حرکت کنیم. ما اطمینان داریم در این نبرد نیز که دشمن با تمام قوا به میدان آمده است پیروزی شویم. دشمن علیه شما قادی نبوده و نخواهد بود. فعالیت شما را متوقف نخواهد. اندیشه شکوفای ما، شکل ایمان به مردم، رزمندگی ما رزم پیروزی ما است.

در شرایط کنونی مردم از رژیم شهبکار خمینی ایمان عمیقاً به حقانیت مردم در برابر رژیم و پیوند مستقیم ما با زحمتکشان نخستین رزم نیرو مند و با یاری ما است. اکنون زمانی است که با بدین تغییر شکل کار، ریکا رگبری تا کنیکهای جدید در سازماندهی، حرکت و مبارزه، رعایت جدی اصل عدم تمرکز، ترجیح کیفیت بر کمیت و سرپرست قوا بین طلایی خاک بملیم و امید برای به راه هموار سالم، پیروزی از آن ما و سرفتر سوزنده خلق و نابودی قطعی سرنوشت دشمنان ما است. ما پیروزی شویم

با درود. شعبه مرکزی تشکیلات

رفقا! واقعیت مبارزه انقلابی، بیوجه در میدان نبردی کلی برابر برهه ماموخته و می موزد که رسیدن به روزیگی سرنگونی این رژیم، برگزاری جشن آزادی و صلح در میهنستان، رزمندگی به روزیگی خود، مردم زحمتکش بدون فداکاری و جانبازی قهرمانی چون رضی و منصور و قربان و دیگران، امکان پذیر نیست. رژیم یورش می آورد میگیرد، میبندد، کف بدهان می آورد و خون میریزد. رژیم با سازماندهی یورش های دممنانه به موقوف فدا شیان خلق از مردم انقلاب میگیرد. رژیم از هشیاری انتقام میگیرد که مبارزه انقلابی توده های شاهره پیکرش وارد می کند.

رفقا! با اطمینان باید گفت که در پاسخ به شناخت عمیق ما از ماهیت پلید ضد مردمی و به غایت ارتجاعی رژیم شهبکار خمینی و در پاسخ به عزم خلل تا پذیر و متحد و یکپارچه تنگ تنگ ما فدا شیان خلق ایران به ادا همه مبارزه تا به آخر، تا سرنگونی این رژیم سیاه و سپردن قدرت حاکم به خلق قهرمان ایران، این رژیم شهبکار این ارتکاب جنایات تازه علیه خلق قهرمان ایران دست ندهد. اما به یقین با بدگفت که خمینی و عمال منفورش هنوز تسام فدا شیان خلق را خوب شناخته اند. آنها تسام نمی توانند بیند و نخواهند بیند که ایمان به فردای سرخی که در افق تاریخ کارگزاران و زحمتکشان میهن ما را بسوی خویش فرا خوانده است ایمان ما به سازمان پر افتخار ما که با تمام هستی خویش پرچم پیکار رهبر ما تانته توده ای علیه رژیم ستم و سزما به و نبرنگ و جنگ را بردوش میگذد ایمان ما به راهی که در پیش گرفته ایم، راه عشاق پاک باخته ای که از هارمینیان شان باکی نیست به ما نیروی بخشیده و ما میبخشد که در برابر او تابه آخر، تا آخرین نفر، تا آخرین نفس با یتییم، پیروزی ما را به خاک بملیم و امید برای به زانو افکندن فدا شیان خلق همراه با تسامی شکستی که نصیب ایران ما ساخته است و روانسه گورستان ما رژیم

رفقا! اکنون، پس از یورش های سراسری تابستان گذشته، با بدین بهره گیری از تمام تجارب مقاومت و با اتکاء به تحلیل درست شرایط موجود و از یابی دقیق امکانات دشمن، تمام نیروی سازمان را از توده هواداران بناده تا بالاترین رده های رهبری ما به خدمت سازماندهی و مقاومت در برابر یورش، حفاظت از واحدهای سازمانی و تامین

## افراشته باد پرچم رزم کارگران و رفجبران!

# گامی دیگر در تبدیل شوراها به سندیکاها و فرمایشی

فراخوان برای مستزده ترین اتحادها  
درباره یازدهمین کنگره  
فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری

بدنبال تشکیل کنگره شوراها و اسلامی سازمانها است تا تهران در اردیبهشت ماه ۱۳۶۵، "خانه کارگر" در شهر پورما اقدام به تشکیل کنگره سراسری شوراها و اسلامی سازمانها در کشور نمود. دستور کار اصلی کنگره اخیر، تدارک تشکیل اتحادیه های شوراها و اسلامی کار در همه استانهای کشور بود. قطعنامه کنگره سراسری، "خانه کارگر" را موظف کرد که تدارک تاسیس اتحادیه شوراها در استانها بنهینند. محبوب، عضو شورای مرکزی "خانه کارگر" در سخنرانی خود در کنگره سراسری، همه کارگران را دعوت به استقبال از این طرح نمود.

مصوبات کنگره های اردیبهشت و شهریور شوراها و اسلامی کار، قبل از هر چیز به نگرانی اقدامات رژیم برای سندیکاها می گردید. ساختار تشکیلاتی شوراها و اسلامی کار است. شوراها کارگری موجود قطع نظر از عملکرد ارتجاعی شان شکل های صفتی غلبی هستند که از نظر مضمون در چارچوب سندیکاها و زرد و حکومتی قرار می گیرند. اما از نظر ساختار سازمانی، هنوز از خصوصیات تشکیلاتی سندیکاها ناستند، یعنی فاقد اساسنامه، تقسیم کار درونی در دستگاه رهبری (کمیته ها و کمیسیون های مختلف نظیر تشکیلات، مالی، تبلیغات و غیره)، عضو گیری و دریافت حق عضویت از اعضا و نظایر آن می باشند.

در جریان انقلاب بهمن، سندیکاها و زرد و حکومتی زمان شاه از همه پاشیده شو جای خود را به تشکیلاتی توده های متکی به کارگران دادند (شوراها عمدتاً در واحدهای بزرگ و سندیکاها در صنوف و واحدهای کوچک).

شوراها، علیرغم ظرفیت و مضمون سندیکایی شان (که بطور کلی با مضمون سندیکاها و انقلابی منطبق بود) غالباً فاقد ساختار تشکیلاتی سندیکا و اتحادیه بودند. علیرغم تلاشهای سازمانها، این نقیصه در بحث انظار شوراها که بتدریج زیر نفوذ عوامل رژیم قرار گرفتند، همچنان با برجا ماند. مضافاً بر اینکه، از لحاظ مضمون نیز، این تشکیلات به شکل های زرد و حکومتی بدل شدند. اما در هر حال، مبارزات کارگران برای ایجاد تشکیلاتی صفتی مستقل و متکا مل ساختار شوراها نه تنها هیچگاه متوقف نشد، بلکه مهر و نشان خود را نیز بر قوانین رژیم کوبید. رژیم خمینی پس از عقب نشینی از مواضع قانون کار و رفرونی و وظایفی توکلی و پذیرش ضوابط بورژوازی در تدریس قانون کار، ناگزیر شد، بتدریج این تغییرات را در ضوابط ساختاری شکل های صفتی کارگری در نظر بگیرد. در نخستین کنگره شوراها و اسلامی کار خانات استان تهران (اردیبهشت ۶۵)، برای نخستین بار موضوعاتی چون تدوین اساسنامه شوراها، بررسی تشکیل اتحادیه شوراها با اساسنامه کارگران هماهنگی شوراها (خانه کارگر)، ضوابط عضو گیری و تعیین حق عضویت اعضا در دستور کار قرار گرفت. پس از تشکیل کنگره، فشار "خانه کارگر" برای بدست گرفتن ابتکار عمل در انتخابات شوراها و ایجاد شوراهای فرمایشی تشدید شد. نشریه "کارگر" ارگان کارگران هم هنگامی شوراها و اسلامی (خانه کارگر)، نیز در این گیرودار، با دعوی نمایندگی کارگران ایران، فراخوان ایجاد اتحادیه جهانی کارگران مسلمان را داد و از ضرورت حضور در مجمع بین المللی سخن گفت.

در جریان انقلاب بهمن، سندیکاها و زرد و حکومتی زمان شاه از همه پاشیده شو جای خود را به تشکیلاتی توده های متکی به کارگران دادند (شوراها عمدتاً در واحدهای بزرگ و سندیکاها در صنوف و واحدهای کوچک).

شوراها، علیرغم ظرفیت و مضمون سندیکایی شان (که بطور کلی با مضمون سندیکاها و انقلابی منطبق بود) غالباً فاقد ساختار تشکیلاتی سندیکا و اتحادیه بودند. علیرغم تلاشهای سازمانها، این نقیصه در بحث انظار شوراها که بتدریج زیر نفوذ عوامل رژیم قرار گرفتند، همچنان با برجا ماند. مضافاً بر اینکه، از لحاظ مضمون نیز، این تشکیلات به شکل های زرد و حکومتی بدل شدند. اما در هر حال، مبارزات کارگران برای ایجاد تشکیلاتی صفتی مستقل و متکا مل ساختار شوراها نه تنها هیچگاه متوقف نشد، بلکه مهر و نشان خود را نیز بر قوانین رژیم کوبید. رژیم خمینی پس از عقب نشینی از مواضع قانون کار و رفرونی و وظایفی توکلی و پذیرش ضوابط بورژوازی در تدریس قانون کار، ناگزیر شد، بتدریج این تغییرات را در ضوابط ساختاری شکل های صفتی کارگری در نظر بگیرد. در نخستین کنگره شوراها و اسلامی کار خانات استان تهران (اردیبهشت ۶۵)، برای نخستین بار موضوعاتی چون تدوین اساسنامه شوراها، بررسی تشکیل اتحادیه شوراها با اساسنامه کارگران هماهنگی شوراها (خانه کارگر)، ضوابط عضو گیری و تعیین حق عضویت اعضا در دستور کار قرار گرفت. پس از تشکیل کنگره، فشار "خانه کارگر" برای بدست گرفتن ابتکار عمل در انتخابات شوراها و ایجاد شوراهای فرمایشی تشدید شد. نشریه "کارگر" ارگان کارگران هم هنگامی شوراها و اسلامی (خانه کارگر)، نیز در این گیرودار، با دعوی نمایندگی کارگران ایران، فراخوان ایجاد اتحادیه جهانی کارگران مسلمان را داد و از ضرورت حضور در مجمع بین المللی سخن گفت.

تضییقات روز افزون ساواک مواجه شدند. سرانجام رژیم از طریق ساواک و وزارت کار طرح تشکیل سازمان کارگران ایران را به بحث با مسئولان یک کارتون سراسری سندیکاها، کارگران را زیر پرچم حزب سوسیالیست خیر مطلق، رهبری شده، هدف رژیم شاه از تشکیل این سازمان (که ظاهراً بیش از ۶۰۰ سندیکارا در برمی گرفت) عبارت بود از: همساز شدن کارگری ایران از یک طرف و وظایف و تملک برای کسب وجهه در مقابل دولت و سندیکاها کارگری از طرف دیگر.

اکنون رژیم خمینی می کوشد با سازماندهی کارگران و فرمایشی، مبارزات صفتی - سیاسی کارگران را تحت کنترل خود درآورد. همه امکانات لازم را در ۱۶ استان کشور در اختیار حزب جمهوری اسلامی و "خانه کارگر" قرار داده است تا اتحادیه های استانی را از بالا ایجاد کند.

کنگره سراسری شوراها و اسلامی کار که در شهریور ۶۵ در تهران برگزار شد، خود را نمایندگی کارگران سراسری ایران معرفی کرد و به تمام کارگران ایران، عوامل خود را در شورای عالی کار، هیات عالی حل اختلاف، هیات حل اختلاف در استانها و شورای عالی تا بین اجتماعات انتخاب کرده است.

اما کارگران ایران این کنگره و نیز "خانه کارگر" را نمایندگی سازمان صفتی سراسری خود ندانند و برای ایجاد یک کارتون سراسری مستقل و متکی به اراده کارگران مبارزه می کنند. علیرغم تلاشهای عوامل رژیم، خواست آزادی شکل و فعالیت صفتی - سیاسی مستقل یکی از مطالبات مبرم و اساسی کارگران و محور اصلی مبارزه آنان طی سالهای اخیر بوده و هست. رژیم قادر نیست دستاوردهای مبارزاتی چند ده ساله کارگران، بویژه تجارب زنده و پربار جنبش توده ای و انقلابی کارگران در انقلاب بهمن را زایل کند. مقاومت کارگران علیه تحمیل قانون ارتجاعی شوراها و اسلامی کار، مقابله با ضوابط فئودرالیستیک تشکیل آن، افشای عوامل و کارگزاران رژیم و دفاع از نمایندگان واقعی خود در انتخابات شوراها و کارگری، به ننگر مبارزه ای است که کارگران ایران در این عرصه به پیش می برند.

کارگران مبارز و پیشرو با بدست گرفتن تشکیلات صفتی که کارگران در آنها حضور دارند، حاضر با شند و با افشای سیاستهای ارتجاعی و ضد کارگری حاکم بر آنها و طرفداران آن، این تشکیلات را تسخیر کنند. کارگران پیشرو با تدبیر تأکید بر ضرورت تشکیل مجمع عمومی و تصویب اساسنامه توسط این مجمع و تبلیغ و ترویج مستمر اصول ساختاری سندیکا و اتحادیه، مبتکار عمل را در رهبری مبارزه کارگران برای دموکراسی تیزه در کردن تشکیلات های دموکراتیک و مستقل کارگری، بدست گیرند. با بدست گرفتن تشکیلات صفتی شدن کامل ساختار شوراها و موجودات صفتی استقلال آنها را افتا و خنثی سازند. هسته های مخفی کارگری باید شوراها و اسلامی کار را در همه سطوح (از شورای کارخانه تا اتحادیه های شوراها) از سیطره عوامل رژیم خارج کرده و راه را برای ایجاد تشکیلات های مستقل صفتی هموار نماید. وظیفه مقدم و حلقه اصلی فعالیت سازمانها و کارگران پیشرو و آگاه در شرایط کنونی، ایجاد و تکمیل و گسترش هسته های مخفی کارگری است. کارگران پیشرو و آگاه باید با سازماندهی محافل مبارز کارگری و مهمتر از آن، ایجاد هسته های مخفی فعالیت کارگری و گسترش آنها در همه واحدهای تولیدی و خدماتی کشور، مبارزه توده کارگران را برای بیرون راندن عوامل رژیم از شوراهای کارگری موجود تسخیر آن، برای ایجاد انجمن های صفتی مستقل سندیکاها و اتحادیه های واقعی کارگری سازمان دهند.

بازدهمین کنگره فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری که بزرگترین گروه های تاریخ ۴۰ ساله فدراسیون بود، چندی قبل در برلین برگزار گردید. در این کنگره ۱۰۱۴ نماینده از طرف ۲۹۶ میلیون عضو اتحادیه های کارگری ۱۵۴ کشور جهان شرکت داشتند. علاوه بر گزارش مربوط به فعالیتهای کنگره که توسط امیرا همیم زکریا دبیرکل فدراسیون قرائت گردید، سه گزارش مکمل نیز در سه اساسی ترین مسائل مورد تکیه اتحادیه های کارگری، یعنی صلح و صلح، سرمایه صفتی اقتصادی - اجتماعی و حقوق سندیکاها توسط دبیران فدراسیون ارائه شد.

گزارش کمیسیون مربوط به صلح و صلح و صلح، نقش برجسته اتحادیه های کارگری را در جنبش صلح خاطر نشان کرد و ضمن تأکید بر صلح میان سابقه تسلیحاتی و بیکاری کارگران و زحمتکشان، از همه اتحادیه های کارگری جهان خواست که متحد و یکپارچه علیه جنگ و مداخله تسلیحاتی بهیچیزند. گزارش در انتقاد به مواضع غیرمسئولانه برخی فدراسیون های بین المللی در رابطه با صلح و جنگ چنین گفت: بجای تاسف است که دربار یک چنین امر مبرم و خطیری که خنجر برهان سیاسی بلوک های مختلف سیاسی به مذاکره می نشینند، رهبران سه مرکز بین المللی سندیکاها (فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، فدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد و کنگره فدراسیون جهانی کار) هنوز نتوانسته اند به ملاقات و مذاکره با یکدیگر بنشینند. این امر مانع همکاری و اتحاد عمل گسترده بین ۵۰۰ میلیون عضو این سه مرکز بین المللی سندیکاها می باشد.

کنگره با شعار "صلح و کار از یکدیگر جدا نمی ناپذیرند" و "صلح و پیشرفت اجتماعی، خواستار تشدید کارزار بین المللی بخاطر صلح و صلح بیگاری شد.

در گزارش کمیسیون مربوط به حقوق انضباطی کارگری، توجه ویژه ای به تأثیر انقلاب علمی و فنی در شرایط کار روزندگی کارگران و زحمتکشان معالک سرمایه داری معطوف شد. گزارش بر این نکته تأکید کرد که سرمایه داری می کوشد در کاربرد ادوات تکنولوژی جدیدی که تکنولوژی قرن بیستم و یکم است همچنان، شوری ها و مناسبات کار قرن نوزدهم را بکارگیرد. این احصایات سرمایه داری نه تنها حق مداخله کارگران را در اقتصاد آنان می کند، بلکه حتی اساس ضرورت وجودی اتحادیه های کارگری را نیز زیر سؤال می برد.

گزارش تصریح می کند که مبارزه برای حقوق سندیکایی، از نظر اقتصادی و اجتماعی میسالی جنبه های است و مداخله دموکراتیک اتحادیه ها در اقتصاد برای مقابله با عوارض بحرانی سرمایه داری و تقویت اثرات دموکراتیک نیروهای پیشرفت و ترقی امری است اساسی.

دبیرکل فدراسیون در سخنرانی تأکید کرد: هدف سیاسی کنگره با ذهن، ایجاد اتحاد عمل بین همه نیروهای جنبش سندیکاها می باشد. در تمام قاره ها و کشورهای - قطع نظر از نظامهای اجتماعی - برای دفاع از حقوق زحمتکشان، پیشرفت اجتماعی و صلح است.

کنگره در تأیید گزارشها، پیشنهاد ایجاد یک کارتون بین المللی سندیکاها برای دفاع از حقوق اتحادیه را مطرح کرد. همچنین، کنگره تصمیم به تدارک یک کنفرانس بین المللی سندیکاها بی از کارگران زن و یک کنفرانس بین المللی اتحادیه های جوان گرفت و اعلامیه ای نیز در رابطه با وظایف اتحادیه های کارگری در مقابل زنان زحمتکشان صادر کرد. کنگره طی پیامهایی با زحمتکشان کشورهای مختلف علیه امپریالیسم ستم طبقاتی، استبداد، نژادپرستی و صهیونیسم مبارزه می کند، اعلام همبستگی کرد.

بازدهمین کنگره فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، جنگ ایران و عراق را طی قطننامه ای محکوم کرد. در این قطننامه آمده است: "تا شیر این جنگ بر اقتصاد و زندگی کارگران و زحمتکشان دموکراسی را مغرب است. ۱۰۰ میلیون جزر خدمت منافع امپریالیسم، صهیونیسم و نیروهای ارتجاعی نمی تواند باشد. کنگره از سندیکاها و نیروهای دموکراتیک و صلح دوست اتحادیه های جهان خواست تا با افزایش تلاش های خود، برای برقراری صلح عادلانه اقدام کنند.

**قانون کار باید مدافع حقوق کارگران باشد**

کارگران مبارز!

لایحه جدید قانون کار که در مجلس شورای ملی تصویب شد، مدافع حقوق کارگران نیست. این لایحه در جهت تضعیف حقوق کارگران و افزایش استثمار آنها تدوین شده است. کارگران مبارز باید با سازماندهی و تشکیل تشکیلات صفتی مستقل، با این لایحه مقابله کنند.

کارگران مبارز!

لایحه جدید قانون کار که در مجلس شورای ملی تصویب شد، مدافع حقوق کارگران نیست. این لایحه در جهت تضعیف حقوق کارگران و افزایش استثمار آنها تدوین شده است. کارگران مبارز باید با سازماندهی و تشکیل تشکیلات صفتی مستقل، با این لایحه مقابله کنند.

کارگران مبارز!

بازدهمین کنگره فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، جنگ ایران و عراق را طی قطننامه ای محکوم کرد. در این قطننامه آمده است: "تا شیر این جنگ بر اقتصاد و زندگی کارگران و زحمتکشان دموکراسی را مغرب است. ۱۰۰ میلیون جزر خدمت منافع امپریالیسم، صهیونیسم و نیروهای ارتجاعی نمی تواند باشد. کنگره از سندیکاها و نیروهای دموکراتیک و صلح دوست اتحادیه های جهان خواست تا با افزایش تلاش های خود، برای برقراری صلح عادلانه اقدام کنند.

ارگانهای بیگردد و سرکوب رژیم آژامکانات و روشهای متنوعی در مبارزه علیه سازمانهای انقلابی و ترسناک و کشور سوئدی، جویند، تجربه شده نشان می دهد که عدم رعایت همه جوانب اصول و ضوابط فعالیت انقلابی در شرایط اختتام سابق از مهمترین عوامل آسیب پذیری تشکیلات است.

مبارزه با پلیس سیاسی قبل از هر چیز نبرد مغزهاست. این مبارزه هم به آگاهی کافسی از مدها و وسایل پیشرفته مبارزه مخفی و شناخت دقیق شیوهها، امکانات و ابزارهای کار دشمن و هم تجربه شخص نیا زنداست. راه چیرگی بر دشمن تنها از طریق افزایش شناخت و کسب تجارب مشخص سازمانهای انقلابی میسر است. در این راستا ما دارا مده تلاشیایی قبلی، برخی زنگردهای ساواک خمینی را افتای کنیم:

### برخی اشگردهای ساواک خمینی

شکجه بشکند و اطلاعات مطلوب از آنها بدست آورد آنها را می رباید.

۱- "شکار پنهانی" عموماً در خارج از محل کسار و زندگی و هنگامی که "سوزه" بدون همراه است، در نقطه ای خلوت و مناسب و اغلب در تار ریکی صورت می گیرد. عملیات ریبودن طوری صورت می گیرد که کسی متوجه آن نشود. آن دسته از کارکنان های انقلابی حرفه ای که با خانواده خویش قطع رابطه کرده اند و زندگی مخفی دارند، بیش از بقیه در معرض خطر ریبودن قرار می گیرند. دشمنان با در نظر گرفتن عدم ارتباط آنها با محیط کار و زندگی علنی برای پنهان کردن دستگیری آنها امکان بیشتری دارد. در صورتی که مبارزه همراه داشته باشد، همراه وی را ممکن است بعداً آزاد کنند و در آن صورت او را تهدید می کنند که اگر با جرات آفاش کند، مبارزه سیر و نوشت تار ریکی پیدا کرده و حتی ممکن است کشته شود.

بستگان رفقای مبارزه را بر کسانیکه در مخفی با آنها در یک خانه زندگی می کنند، از قبیل یا بدست به این حوادث توجیه شده و متقاعد شده و شنونده که در صورت بروز چنین حوادثی به طر قسی که باید به آنها قبل از موخته شونده همزمان دیگر را در اولین فرصت ممکن از دستگیری مبارزه سیر مطلع سازند.

۲- دیده شده است که در مواردی که "سوزه" را آنها تکار می کنند، در ساعات و یا روز اول دستگیری ما موری از ساواک با تیب مناسب و با صلاح "چی" به آنها روجوع می کند، و تحت عنوان هم رزم و دوست او اهدم مراجعت وی به منزل را توجیه کرده و خانواده را از سلامتی وی مطلع می سازد. "رفتن به ما موریتا اداری" یا "سازمانی"، تحت تعقیب قرار گرفتن، "مخفی شدن موقت"، "خارج شدن از کشور"، و غیره توجیهاتی است که ما موران ساواک بکار گرفته اند. ما مور پلیس می گویند بسیار جلب اعتماد بستگان، مدارک سازمانی و سازمانی شده مبارزه ریبوده شده را ظاهر برای از بین بردن یا رساندن به موت تحویل گیرند و در عین حال زمینه را برای بلوغت های احتمالی بعدی به آنها فراهم سازد.

۳- گاهی نزدیک دیده شده است که پلیس به جای مراجعت به منزل به همکاران، همسایگان و آشنایان یا فاقیل نزدیک زندانی مراجعت می کند و ضمن جازدن خود بعنوان آشنای مبارزه سیر از آنها می خواهد که بیام از قبیل تنظیم شده ای را در مورد غیبت موقت وی به اطلاع خانواده او برسانند.

۴- در هر دو حالت ممکن است پلیس نشانه هایی از قبیل نامه، ماشین فرستاده شده، انگشتری ساعت وی و غیره را به بستگان و همکاران او جهت جلب اعتماد به آنها ارایه دهد. در صورتی که منزل یا محل کار زندانی تلفن داشته باشد، ما مورین ممکن است وی را وادار کنند که به تماس تلفنی سلامت خود را اطلاع دهد، و دلایل معینی را برای عدم مراجعت موقت طرح کند.

۵- در مواردی نیز امکان دارد که پلیس به اتفاق فردا سیری که ضعف نشان داده است، ظاهر آسیرا بعنوان آشنای وی به خانه او مراجعه کرده و فراد آسیرا موظف و مجبور کند ضمن معرفی همراه یی همراهان بعنوان رفقا و دوستان خویش در حضور آنها علت دیرکرد خود را توجیه و برای غیبت، خود در روزها هفته های آینده دلایل معینی را بعنوان کند.

۶- مبارزین انقلابی باید نادر کترین بستگان خود را با این حیلله ها از طریق دادن توضیحات صحیح آگاه کنند. اگر نزدیکان از فعالیت سیاسی آنها بی اطلاع هستند، باید فاشی این حیلله به شکل مناسب و توجیه پذیری صورت گیرد. باید به بستگان نزدیک آموخته شود که در صورت عدم مراجعت فرزند خود در ساعات مقرر و در اولین فرصت ممکن و بدون خوشبختی وری وحتل سرپلها و امکانات واسط را که می توانست داخل یا خارج باشد از موضوع مطلع سازند. بستگان خانواده نباید حیلله هیچ مراجعه کننده ای جز در صورتی که شناخت شخصی و نزدیک از وی داشته باشند، اعتمادا کنند. در صورتی که همسریا برادر مبارزین

افراد سیاسی باشند، می توان قرارهای مشخصی را با آنها تنظیم نمود. از جمله هنگام ترک منزل با پداساعت نهایی ورود را به آنها اطلاع داد و آنها را موظف کرده که در صورت عدم بازگشت در ساعت تعیین شده، آنها قرار معینی را یک یا دوساعت بعد در نقطه ای خارج از منزل اجرا کنند. در صورتی که در این قرارها را نادیده نگیرد، غیبت و یا خطرناک تلقی کرده، ضمن از بین بردن مدارک احتمالی در منزل در اسرع وقت به ترتیبی که قبلاً مشخص شده همزمان دیگر را از موضوع مطلع سازند. همچنین می توان قراردادهای طبیعی و معینی را برای مواردی که ممکن است مبارزین مجبور شوند به همراه پلیس به خانه آمده و یا با تلفن تماس بگیرند پیش بینی کرده، در صورت چنین پیش آمدی، بدون توجه به پلیس آنها را از موضوع مطلع نمود.

۷- در صورتی که پلیس در مراجعات اولیه به بستگان موفق نشد اعتماد آنان را جلب کند، ممکن است گاهی به آنها سرزده و ضمن رساندن خبر "سلامتی" مبارزه سیر گوش کند، اطلاعاتی در مورد سابق کار روزندگی و روابط و آشنایان وی بدست آورد تا نتایج بدست آمده برای دستگیری سایرین و رودست زدن به مبارزه سیر استفاده می کند.

۸- ممکن است پلیس بکوشد از طریق خانوادها مبارزه سیری که امکان تماس مستقیم و غیر مستقیم با همراها فرد دستگیر شده را دارند، اطلاعات متحرک کننده یا قرارهایی را که ظاهر از جانب فرزند یا همسرشان داده شده، بدست فعالین دیگر برساند.

۹- راه چاره این است که بستگان به مراجعت بستگان آشنا هیچ اطلاعی نداشته و هیچ نوع قرارری زوی آنها را نپذیرند. زوی دیگر در شرایط کسب با توجه به اینکه دشمن می گوید بطریق مختلف بیاینها بی را بدست فعالین انقلابی رسانده و آنها را به جنگ آورد. اجرای قرارهایی که بطریق غیر مستقیم دریافت شده می تواند خطرناک باشد. کسانیکه چنین قرارهایی دریافت می کنند نباید آنها را اجرا کنند، بلکه باید بگویند در چنین نوبت متوالی از طریق فرد دیگری محل قرار را فرستنده قرار را چک کنند و سپس تصمیمات لازم را بگیرند.

۱۰- گاهی اتفاق می افتد که یکی در روز بعد از دستگیری فردا مورین به بستگان وی مراجعه و ضمن معرفی خود بعنوان ما موران کمیته و آگاهی فاضل می کند که طبق اطلاعات پلیس، فرزند یا همسر خانواده توسط عدالتنا شناسی ریبوده شده و ضروری است که آنها دوستان و آشنایان را که با وی مراد داشته اند، معرفی کنند تا پلیس بتواند در مورد ما موران جرا تحقیق کند. خانواده کسی که از عدم مراجعت فرزند یا همسرنگران است، به یسار فریب پلیس را بخورد و اطلاعاتی در مورد روابط وی در اختیار آنها قرار دهد. آگاهی قبلی نسبت به خانواده از چنین حیلله هایی می تواند نشانه دشمن را خاشی کند.

۱۱- مبارزه ریبوده شده بلافاصله به زیر باجهی و شکجه برده می شود. اولین چیزی که از وی می خواهند از خبر سلامتی بوسیله تلفن به بیرون از زندان است. معمولاً قبل از اینکه وی را به خخته شلاق و شکنجه بیدند سناریوهای از پیش تنظیم شده ای را به سرعت برای وی به نمایش می گذارند. دزخیان مدعی می شوند که از همه چیز مطلع بوده و در هر حال خود را دارند، برای اثبات این دروغ بزرگ است که نمایش شروع می شود. بعد از سوار مکالمات تلفنی نوشته فوالین سازمانهای مختلف و احیاناً مکالمات ضبط شده مبارزه سیر عکسهای مختلف وی که هنگام حرکت و یا اجرای قرار برداشته شده وحتی در بعضی موارد فیلسم اجرای قرارهای فعالین لورفته، اعتراضات ضبط شده دیگران، فتوکپی بعضی نامه های لسو رفته، مصاحبه های تلویزیونی بعضی افراد زندانی، و روبرو کردن با عناصر در هم شکسته و تسلیم شده که مصراحت خود را مصادق آشکارا عدما مکان هرنوع مقامی زندان را اعلامی کنند، تسک نویسه ای ظاهر! تصور و روکیهای مختلف که فاقد ارزش اطلاعاتی هستند، اطلاعات ظاهر برجعی مشخصی آنها که بوده می گویند به دروغ اعسلاام کنند که همه چیز را دانند) و روبرو کردن ناگهانی فردا سیرا هم رزم یا همزمانی که وی تصور می کند دستگیر نشده اند، صدای فریاد و ناله های کسانیکه شکجه می شوند... تهدید و اعراب دزخیسان و سایر ایزارهای گوناگون شکنجه بخشی از وظایفی هستند که بکسار نمیخواهند فردا سیرا متقاعد سازند برای حفظ اسرار انقلابی کوچکترین امکانی وجود ندارد، و مقاموت بهبودده است، همه شکسته اند. این همه فداکاری و صادقانه وی بهبودده بوده است. همه به او روزه اند و دشمن بر قدرت بر همه چیز آگاه و تواناست. بدین طریق دزخیان نمی گویند بهبودگی وی تیری هرنوع مقامی را القابا کنند. زندانی را از او عقب ساخت و اعتبارا نند

### از نبرد فدائیان خلق

نه شکنجه‌های وحشیانه و تیرباران، نه سینه زنده‌های قرون وسطایی و سیاه‌چالها، نه تعقیب و شکار و تیرباران و هیچکدام نمی‌توانند در راه آزادی فدائیان در مبارزه برای خوشبختی کارگران و زحمتکشان خلقی پدید آورند. فدائیان خلق در زیرشده‌ترین شرایط مبارزه و سختی و خستگی و بی‌رحمی و آشفتگی ماهیت پلیدی، جنگ طلبی، خونریزی و فساد انسانی رژیم خمینی، طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش را به مبارزه برای فردا، برای روشن فرامی‌خوانند.

تبلینات کتبی هر چند بخشی از کار انقلابی فدائیان در راه آزادی است و بسیج توده‌ها مستولی خودبروشی نشاندن کارگران و رفقمان آنها است که در شرایط کنونی جریان دارد. ما در این شماره به گونه‌هایی از فعالیت‌های او و ده‌ها مختلف سازمانی در تهران و بزرگترین نقاط دیگر اشاره می‌کنیم.

۱- در اعلامیه‌ای که از سوی کمیته‌ها حربه جنوب تهران در راه اخراج‌های وسیع کارگران چاپ و بطور وسیع انتشار یافته، چنین آمده است:

"کارگران مبارز! ... تا این رژیم ضد مردمی در ایران بر سر کار است تا این جنگ کشیدنی ادامه دارد، تا سرمایه‌داران خون آشام و زلومست دست‌آوردان شما نکشیده‌اند، وضع آن‌ها که هست بدتر هم خواهد شد. چاره در یک چیز خلاصی می‌شود و آن این است که دست‌های خسته‌ها را از فرمان‌های دولت و دولت را در برابر راه و اخذ خدو به عقب نشینی وادارید. سنگربیکار را دلاشه خود را تا سرنگونی رژیم خمینی و دستیابی کامل به حقوق خود حفظی ترک نکنید."

۲- در اعلامیه دیگری فدائیان، کارگران را به اعتصاب و مبارزات مبارزه فرامی‌خوانند: "کارگران مبارز! ... رژیم دست‌نشانده کارگران را از کارخانه‌ها اخراج و وزن وجه آنها را با فقر و گرسنگی مواجه می‌سازد. اعتراضات و اعتصابات یکپارچه خود، با وحدت و همسنگی خود و با تشکیل صندوقهای بیکاری از کارگران اخراجی پشتیبانی نمی‌پسند."

زنده باد طمع‌گرک بر خمینی جنگ افروز سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) کمیته‌ها حربه شمال غرب تهران

۳- فرخواستن مردم به مقاومت در برابر جنگ طلبی‌های رژیم خمینی و رگشتران و سوار شدن در جبهه‌های مرگ، بخشی از مضمین تبلیغاتی را تشکیل می‌دهد. اعلامیه‌ای که از سوی یکی از واحدهای سازمانی انتشار یافته است، چنین ندا می‌دهد:

... پدران و مادران عزیز!

۴- تسلیم تهدیدهای رژیم نشوید، جگر و شکرانتان را به جبهه‌ها نفرستید!

۵- در برابر مراکز زیربنا زکیری و ستادهای اعزامی و نیروی جبهه‌ها اجتماع کنید.

۶- با اعتراض و وفاداری خواستار بازگشت فوری فرزندانمان از جبهه‌ها شوید!

۷- برای اعتراض به ادامه جنگ چون آمیز و جلوگیری از فاجعه بزرگی که در کمین جگر و شکرانتان شامست، در جلوی کاخ ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، نخست‌وزیری، وزارت کشور، و مراکز تصمیم‌گیرنده رژیم اجتماع کنید.

۸- اگر امروز دست در دست بگردیم تا این جنگی رژیم را از کار بیاندازد، فردا بر یکدیگر بار باره فرزندانمان آتش نخواهد ریخت ...

۹- نیروهای سازمان در تهران پوستری رنگی با مضمون مبارزه علیه جنگ تهیه کرده و در دهها نسخه در سراسر تهران پخش نمودند. در این پوستر بیلابندی از میزبان کشته‌ها و ویرانیهای حاصل از جنگ اشاره شده و از مردم خواسته شده بود که علیه جنگ و علیه خمینی جنگ افروز بپا خیزند و بر حیات تنگین رژیم تبهکار خمینی پایان دهند.

۱۰- پخش پوستر رنگی در شرایط سرکوب خونینی نشانه بارز و برجسته‌ای از عزم و رژیم فدائیان خلق است.

۱۱- مناطق کارگری و محلات زحمتکش نشین شهر

۱۲- مناطق فدائیان است. واحدهای سازمانی در این مناطق بطور منظم با پخش اوراق تبلیغاتی بزرگ‌های می‌افشانند، گزارشات مختلف از فعالیت‌های تبلیغاتی فدائیان در این محیط‌ها خبر می‌دهند. چندین هزار اعلامیه در باره جنگ و اخراج کارگران و ... از سوی فدائیان خلق در مقابل کارخانه‌ها پخش می‌شود. محلات تیموری، فلاح جنوبی، نازی آباد، باخچی آباد، مهرآباد جنوبی، بافت آباد و دولی‌دارو، بیکان شهر و ... پخش شده است.

۱۳- در مه‌ماه از سوی سازمان پوشریاری

زیبای رنگینی با عنوان جنگ، گرانسی، بیکاری، ویرانی هموطن به جبهه نرو زنده باد صلح، سرگ بر جنگ سرگ بر خمینی

منتشر و در سطح کشور وسیعاً پخش گردید. نصب گسترده این پوستر بویژه در محلات زحمتکش نشین مورد استقبال گرم زحمتکشان قرار گرفت.

فدائیان خلق در شهر اردبیل در آب‌سنگ با اعتراض و اعتصاب بزرگی تارکاتی با مضمون زیر تهیه و در سطح شهر پخش کرده‌اند:

هم میهنان مبارز!

با حمایت از حرکات اعتراضی پزشکان فداکار و دانشمندان، اعتراضات آنها را علیه رژیم دیکتاتور فاشیستی جمهوری اسلامی قوت بخشیم.

فدائیان خلق ایران (اکثریت) اردبیل

رژیم خمینی که بیش از هر چیز دیگری از آگاهی توده‌ها وحشت دارد، برای مقابله با فدائیان و برای مقابله با کارکنان هکرانه آنان روز بروز کنترل و سرکوب را بیشتر می‌سازد، واحدهای فدائیان در یک گزارش مسموم تبلیغاتی می‌نویسد:

در منطقه به صورت گسترده‌ای صورت می‌گیرد، باسازان در پیشون افراد عادی در طول ماه گذشته با اجاره کردن خانه و نقل هر به زندگی "عادی" در چند نقطه مستقر شده‌اند. بسیج بویژه در طول شب منطقه را شدیداً تحت پوشش گرفته است ... ولی هیچ جزئی توانایی ست کردن اراده ما را ندارد، زیرا مبارزه طبقاتی تحت تعطیل ناپذیر است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران  
فدائیان آزادی و به روزی برای بشریت است

به سرخهای بی‌ازغالی در گذر دیکر پیدا کنند. بارها متا هده شده که عدم مراجعه پلیس به شکیله‌ها و لورفته‌ها نشان داده است. از جانب مبارزین نشانه سالم ما ندانن اطلاعات عنا صسر دستگیر شده تلقی گشته است. این خوش خیالی همیشه منشاء ضربات مهمی به سازمان‌ها و انقلابی بوده است. عناصری که به هر دلیل در معرض لورفته شدن بوده‌وا قبلاً برای پلیس شناخته شده‌اند، اگر می‌خواهند در جنگ دشمن گرفتار نشوند و به مبارزه فعال ادامه دهند باید بدون هیچ تعلل و تردیدی امکان‌ات کا روزنگی خویش را به سرعت عوض کرده و از هرگونه تماس مستقیم با خانواده و امکان‌ات شناخته شده، بگریزند. در غیر این صورت قطعاً نفع مبارزه در این خواهد بود. به پلیس آنها رابطه خود را با تشکیلات یک طرفه و به پلیس امکان‌ات دهند و آنها بنام سربل فرزند به تشکیلات بچهره برداری کند. در چنین صورتی قطعاً با بدرد اطلاعات این افراد تشکیلات پاک گردد. دشمن بطرق مختلف عنا مرشفتن خسته‌ها را تحت نظر گرفته و به محض اینکه احساس کند آنها در د تغییر محل زندگی و کار خویش هستند، با آنها را سر بیامد دستگیر و با تحت مراقبت شدید که راهی از آن معمولاً امر بسیار مشکلی است، قرار می‌دهد. بنابراین در شرایط کنونی، تغییر محل کار روزنگی و تدارک امکان‌ات لازم آن با بدجستی برای همبگان و همکاران پنهان بماند و بیکاربه و ناگهانی ولی همرا با توجه مناسب صورت گیرد. تا دشمن با فلنگ‌گیر شده و فرصت بیکاری و عکس العمل پیدا نکند.

۱۵- دستگیری گسترده: در اغلب موارد پلیس فاقد اطلاعات ضروری دستگیری کارکنان و فعالین شبکه‌های مخفی می‌باشد. در راه‌های اخیر به گرات مشاهده شده، که تعداد دکتبوری اعزامت در سیاهی فعال و غیرفعال بطور همزمان و سر بخت دستگیر شده‌اند، ما قبلاً نیز در این باره سخن گفته‌ایم. دشمن می‌کوشد با فضا رونکنجه دستگیر شدگان به مناسبتی دست یابد. در چنین مواردی، تنها راه موثر خدنی کردن هدف دشمن، دشمن، ندانن هیچ اطلاع جدید به سوی دستگیر شدگان، علیرغم تمام ملیت‌ها و طرفند‌ها آنست.

ناکا بماند، می‌کوشد یکی دیگر از همزمان ربوده شده مرتبط با وی را به تسلیم واداشته و توسط وی سلامتی مبارزات سر را به بیرون اطلاع دهد. بستن راه دشمن در توسل به چنین اعمالی با رژیم قرار داد قبلی است. بدین وسیله این حمله دشمن را نیز، علیرغم تسلیم کامل فرد دوم، می‌توان به فخر و تبدیل کرد.

۸- دشمن می‌کوشد بعضی افراد ربوده شده را با استفاده از وسایل و شیوه‌های گوناگون سر بیا به همکاری جلب کرده و سپس آنها را برای "نفوذ" آزاد نماید. اگر دشمن موفق به چنین کاری گردد، به فرد آزاد شده از موخته می‌شود که دستگیری وقت خود را از هم‌گس بنهان کند و در صورت روشن احتمالی آن، بطرق مختلف قضیه را توجیه کند و بگوید تشبها به جای فرد دیگری دستگیر شده و با طرفه فعالیت قبلی با زداشته و چون موضوع مهم نبوده آزاد شده است. در مواردی نیز پلیس با جمع آوری اطلاعات نسبتاً وسیع در مورد بعضی افراد دشمن، به آنها مراجعه و ضمن روگردن اطلاعاتی که می‌خواهد ویا تهدید و ارعاب و ... درخواست همکاری می‌کند.

تجربه نشان می‌دهد که در بعضی موارد در گروگان گرفتن زن و فرزند بستانگن نزدیک از جمله وسایل رذیلاته دشمن برای وادار کردن عناصر در دسترس به فعالیت نفوذی بوده است.

برای مقابله با این روش‌های خصم، باید بطور مداوم مراقبت رفتار روحو به افراد بود. تماس با عناصری که بعداً زمدتی کوتاه آزادی گردید و وقتاً با بد قطع شده و تحقیقات معینی برای اطلاع دقیق از علل دستگیری و آزادی آنها بعمل آید.

در عین حال باید همواره برزی خود را موظف بدانند که هر نوع خواست و امری که دشمن را در مورد خویش در اولین فرصت ممکن به اطلاع همزمان مسورد اعتماد خود برسانند.

۹- مراقبت افراد شناخته شده: پلیس به منظور گسترش سرخها و اطلاعات خویش از شبکه‌های مخفی، بعضی فعالین و شبکه‌های انقلابی لورفته را تحت نظرمی گیرد و با عنا مرورش و نفوذ است دستگیر شده و بعداً زمدتی آزادی می‌کند. سپس از طریق یک روش مراقبت‌های نامحسوس و آرام می‌کوشد

و بدینوسیله وسیله اعتمادی شدید به همزمان در وی پیدا شود. بعد از آن زندانی را به زیر شکنجه‌های حیوانی می‌کشند. در برخی موارد بعداً زندانی مفقود می‌گردد و از اسیران به این فکری نمی‌شناسند. به علت عدم مراجعت به منزل و ندانن علامت سلامتی به تشکیلات حتماً دیگران از دستگیری آنها با خبر شده اند و بنام این تماس تلفنی آسبیبی به کسی نخواهد زد. این در حالی است که مبارزات سر را از اقدامات دشمن که به شناخته شده و احیاناً تشکیلات وی غیر سلامتی، داده‌های اطلاع است. چنین محاسباتی اولین گام خطرناک در جهت دست‌آوردن دشمن است و به دشمن امکان می‌دهد که فشار خود را برای تسلیم کردن زندانی به بقیه خواسته‌های او افزایش دهد. در عین حال تجربه نشان می‌دهد که بعضی مبارزین اسیر تو استه اند این شکرد دشمن را به فخر و تبدیل کنند و از زندان، ر بوند بودن خود را به همزمان بیرون بفرمایند. آنها به اعتبار داشتن قرار داد قبلی با همزمان و خانواده خویش از فرمت پیش آمده، در جهت عکس خواست دشمن بود چستند.

با بدروی این نکته تکیه کرده که دشمن بر اساس تجارب خویش و محوما کنترل ارتباطات لورفته مبارزین می‌تواند نوع علامت سلامتی را حدس و آزانها بخواهد همبمان ترتیبی که وی می‌خواهد عمل کند. علاوه بر این دشمن، فسر د در بند را قبل از دادن علامت سلامتی، برای فاش کردن نوع قرارهای سلامتی و خطن زیر فشار شکنجه قرار می‌دهد. انتخاب صحیح نوع علامت که حتی در صورت مراقبت و کنترل قبلی ارتباطات فسر د غیر قابل کشف باشد، وقتاً وقت و هو شیوا برای بنهان تنگ داشتن این سز انقلابی می‌تواند

این شگرد رژیم را به فخر و تبدیل کند. بدین ترتیب دادن سلامتی از زندان تنها در صورتی هدف دشمن را خنثی می‌کند که قرارهای دقیق قبلی برای چنین مواردی پیش بینی شود. گاه دشمن می‌خواهد که مبارز اسیر بوسیله نامه و ارسال گزارشات تشکیلاتی از درون زندان، تماس خویش را با همزمان ادامه دهد. در این مورد نیز به اعتبار قرارهای قبلی می‌توان نقشه دشمن را به فخر خود تبدیل کرد.

۱۰- در صورتی که دشمن در تسلیم مبارزات سر



## رویدادهای جهان

## خروج شش هنگ اتحاد شوروی از افغانستان

خروج ۶ هنگ از نیروهای باری ریان اتحاد شوروی از افغانستان از رویدادهای مهمی بود که پس از پیگیریهای گسترده و تلاشهای فراوان در جریان این بحران بین دو کشور انجام شده بود. بخشی از تلاشهای افغانستان و اتحاد شوروی جهت قبول دادن استقاده آزاره و راه مسالمت آمیز به برقراری صلح و فصل مسایل است. دولت انقلابی افغانستان و اتحاد شوروی در حال مصلحت مآبانه با اقدامات خود در افغانستان در افغانستان و تلاش برای صدور استقاده انقلاب با فشار می کنند. خروج شش هنگ از نیروهای کمکی اتحاد شوروی از افغانستان در چارچوب برنامهای وسیع تری برای بیرون راندن مجموع واحد های اتحاد شوروی انجام گرفته است.

رفیق نجیب دبیبرکل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان طی مصاحبه ای در اوایل ماه گذشته در این باره گفته است: "اکنون برنامه خروج تمام واحدهای محدود نظامی اتحاد شوروی که در مرزها و بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد شوروی توافق حاصل شده، موجود است. وی همچنین برای بیان امر تاریخی که این برنامها به تصویب مربوط به آن هنگامی به اجرا درمی آید که در قدم اول، به خروج ۶ هنگ اتحاد شوروی، همه کسانی که مداخله و سخرانه جنگ اعلام نشده علیه افغانستان را سازمان داده اند دست از اقدامات خود بردارند. علیرغم خروج ۶ هنگ از نیروهای اتحاد شوروی و تلاشهای سازنده فوق الذکر امیرالیسم آمریکا جهت توطئه گری و مداخلات خود برای ادامه جنگ و کشتار مردم افغانستان ادامه می دهد. امیرالیسم از همان ابتدا، هنگامیکه تصمیم به خروج واحدهای اتحاد شوروی اعلام شد، کوشیدند از اعتبار و تاثیر این اقدام مهم به بهانه عدم اجرای آن بکاهند.

اما سرانجام مطابق برنامه اعلام شده خروج نیروها آغاز شد. ما شین تبلیغات امیرالیستی این بار با بیخود بودن این اقدامات دروغ مینویسند و هرگز نمی بینند که تا زنده نفس بدون ارائه کوچکترین مدرک و شاهی مذبحخانه کوشیدند تا فکر عمومی را در جهت بی بهنگ کردن کامل اقدام مزبور سوق دهند. بروا می آید که این تبلیغات تبلیغاتی امیرالیستی، نه تنها برای حفظ وضع متشنج موجود و ادامه جنگ اعلام نشده علیه افغانستان ساخته می شود، بلکه اهداف تها و زکرامت دور و درازتری را نیز متجلی می سازد. واگذاری اسلحه های فوق مدرن و بمب افکن های اف ۱۶ قدریمه حمل بمب های اتمی به پاکستان و نگرانی شدید کشورهای هندوستان و افغانستان را برانگیخته است. این اقدامات بخوبی نشان می دهد که امیرالیسم، بویژه امیرالیسم آمریکا، بر خلاف افکار عمومی و خواست مستقیم توده های وسیع مردم منطقه و جهان، بی شرمانه به کار تحریر و مداخله گری ادامه می دهد. تحویل اسلحه های ضد هوایی استیکر به بیخود و اقدامات افغانی پاسخ امیرالیستیها و ارتجاع منطقه به تلاشهای انسانی و مسالمانه اتحاد شوروی و دولت افغانستان است. بدیهی است که دولت مردم افغانستان این کشور را در مقابل به دست یازدنی های امیرالیسم و ارتجاع برای صدور انقلاب تنها نخواهد گذاشت. دخالت خارجی در افغانستان و تلاش امیرالیسم و ارتجاع به منظور صدور انقلاب به این کشور با بد قطع گردد. این حقیقتی است که دشمنان افغانستان با بدآثرادرک کنند.

## انگلیس و آمریکا علیه سوریه

در ماه گذشته دولت انگلیس به بهانه ای واهی و اتهاماتی بی اساس بر پایه سیاسی خود را بر سر قطع کرد و در تحقیب آن آمریکا نیز که خود را پیرین مفسد جویبی شرکت فعال داشت، سفیر خود را از سوریه اخراج کرد. انگلیس دولت سوریه را متهم کرده است که در یک ماجرای تروریستی دست داشته است و علت قطع رابطه دیپلماتیک راهم دستوری دولت سوریه در این ماجرا اعلام کرد. دولت سوریه ضمن محکوم کردن تصمیم گیری تحریر آمیز انگلیس از اقدامات وارده، انگلیس را بی اساس اعلام کرد. در تائید نظر سوریه حتی برخی از محافظ امیرالیستی و از آن جمله زاک شبراک نخست وزیر فرانسه اعتراف کرده اند که سازمان میس در اسرائیل این توطئه را سازمان داد و دستاویزی برای دشمنان امیرالیست سوریه فراهم کند.

عمل خصمانه دولت محافظه کار ما رگارت تا چهره علیه سوریه ادامه سیاستهای ماجراجویانه ای است که واشنگتن - تل آویو - لندن علیه کشورهای غرضجبهه پاداری اعمال می کنند. این اقدامات مستقیماً علیه مبارزه خلق های عرب منطقه، بویژه خلق فلسطین و کشورهای مستعمر است تا آنها را وادار کنند به راه حل های تسلیم طلبانه در برابر امیرالیسم گردن نهند. چندی پیش ریگان، این سرکرده تروریستیهای جهان، به بهانه اتهام مشابه دستور حمله به لیبی را صادر کرد و هواپیما های جنگی آمریکا با تجاوز به حریم فضا ی لیبی، طرابلس را بمباران و بمبارانی دیگری از شهرهای لیبی را بمباران و عده زیادی از مردم بیگناه آن را به قتل رساندند.

پس از قطع رابطه انگلیس و سوریه تلاش گسترده دیپلماتیک از جانب دولت انگلیس و اسرائیل صورت گرفت تا دیگر کشورهای غربی را به حمایت از عمل خود و انجام اقداماتی علیه سوریه متقاعد کنند. در این رابطه انگلیس پیشنهادهای به کشورهای غرضجبهه را در جهت ارتقاء همکاری های آن از این کشورها خواست که تصمیمات مرکزی علیه سوریه اتخاذ و به اجرا در آورند. وزیر امور خارجه ایالات متحده در این باره در خوار است انگلیس به منظور هماهنگی در اجلاس در لوگزا مبورگ نتوانست به تصویب تصمیم مشخص بگردد، اینبار در اجتماع خود در لندن، در حالی که توضیح ها و فشارهای آمریکا را نیز برای سرخود خاص می کردند در اتخاذ تصمیماتی در جهت اعمال تحریم علیه سوریه به توافق رسیدند.

هدف کارزار تبلیغاتی گسترده ای که امیرالیسم برای انداختن است، ارباب دولت های فدا امیرالیست عرب است. اطلاعات بسیاری حاکی از آن است که اسرائیل با بهره گیری از وضع موجود در تدارک تجاوز نظامی جدیدی علیه سوریه است. مقامات آمریکا نیز اعلام کرده اند که ممکن است هر لحظه علیه سوریه دست به اقدام نظامی بزنند. نقل و انتقال نیروهای نظامی و ناوگان آمریکا و انگلیس و ما نوره های نظامی پیرامون سوریه، خبر از احتمال وقوع چنین توطئه هایسی می دهد.

## گره جنوبی: شعله های خشم خلق

بار دیگر مردم و دانشجویان کره جنوبی به خیابانها سرازیر شده اند. آنها با تظاهرات گسترده ای که در آمریکا به بهانه تدارک برکردن و "موتور رژیم دیکتاتور چون دو هوای خشم و نفرت خود را علیه امیرالیسم آمریکا و رژیم دیکتاتور دست نشانده آن به نمایش گذاشته اند.

رژیم دیکتاتور کره جنوبی که در یک بحران بزرگ اجتماعی - سیاسی دست و پا می زند، در برابر موج اعتراض مردم به سرکوب و یازدنی های دست جمعی روی آورده است. تظاهرات و اعتراضات دانشجویان که نزدیک به یک ماه است در سئول پایتخت کره جنوبی و دیگر شهرهای دانشگاهی آن ادامه دارد، با خشونت شدید نیروهای سرکوب رژیم مواجه است. دهها هزار پلیس کره جنوبی مجبزه به سلاح های ویژه ضد شورش، در دانشگاهها و خیابانها و حیاطها به صفوف نظر هر کنندگان بیورش می آورند تا اکنون هزاران نفر از مردم بویژه دانشجویان دستگیر و روانه بازداشتگاهها شده اند. عملاً در پایتخت کره جنوبی حالت فوق العاده حکومت نظامی برقرار شده، بسیاری از رهبران اپوزیسیون حکومت با زداشت شده اند. فعالیت بیش از ۱۴ سازمان کارگری غیرمجاز از اعلام گردیده و به این سازمانها دستور داده شده که خود را منحل اعلام کنند. رژیم ضد خلقی کره جنوبی، از طریق سرکوب و انحلال سازمانهای کارگری فعالین جنبش کمونیستی و کارگری کره جنوبی راه هدف قرار داده و به اقدامات خود علیه کمونیستها ابعاد دشمن تری بخشیده است. یکی از مقامات دولتی کره صریحاً اظهار داشته که دولت قصد ریخته گردن (!) عنا مرکونیست را دارد. علیرغم تهدیدات رژیم دیکتاتور سازمانهای کارگری و سایر احزاب سازمانهای اپوزیسیون که در جبهه ای بنام "جنبش متحد خلق" علیه رژیم و برای تأمین دموکراسی مبارزه خواهند داد.

در چند سال اخیر، این دومین بار است که رژیم دیکتاتور کره جنوبی آماج خشونت و اعتراضات سهمگین مردم، بویژه دانشجویان قرار گرفته است. این بار علاوه بر دانشجویان گروه بیشتری از اقشار و طبقات مختلف مردم و احزاب سازمانهای اپوزیسیون کشور با به میسر شدن گذاشته اند. حضور شرکت آنان در اعتراضات و تظاهرات و پشتیبانی شان از دانشجویان نشان دهنده عمق، حد و گسترش مبارزه علیه رژیم دیکتاتور و با بسته های آمریکا است.

## اعدام انقلابیون در اندونزی

رژیم تبهکار اندونزی با ردیگر بر بر لیبی بی شما رتجا با ت خود اذ فزود، جلادان رژیم جاکارتا سینه پرشش ۵ تن از فعال حزب کمونیست اندونزی را با گلوله های سرسبز شکافتند و بار دیگر تبهکاری و وحشیگری خود را به نمایش گذاشتند. این اولین و آخرین جنایت این رژیم نظامی نیست. رژیم سواها رتودشش به خون هزاران کمونیست اندونزی آغشته است. پیش از اعدامهای اخیر، تازه ترین تبهکاری این رژیم اعدام محمد منیر غفود فترسیا سی حزب کمونیست اندونزی، رئیس شورای ملی سازمان مرکزی اتحادیه های اندونزی و نائب رئیس فدراسیون اتحادیه های جهانی بود.

قربانان اخیر رژیم اندونزی که اکثر آنها بیش از ۶۰ سال سن داشتند، کمونیستها یسی بودند که بین ۱۵ تا ۲۰ سال در سیاهچالهای رژیم بصری بر بندورنج و شکنجه خردکننده ای را متحمل شده بودند. با این وجود آنان به سربلندی در مقابل کینه توری دشمنان می بردند. ایستادند و پیرامان و آرمان خودیای نترسند. رژیم نظامی جاکارتا که در سال ۱۹۶۷ بسا کودتای نظامی سرکار آمده است، تاکنون به جنایات بی سابقه ای علیه کمونیست ها و دیگر نیروهای مترقی دست یازیده است. تبهکاری اخیر رژیم نظامی، موج جدیدی از انجزار و نفرت در سراسر جهان علیه این رژیم را برانگیخته است. احزاب کمونیست و کارگری که در کنفرانس بین المللی سکوبرای مشاوره پیرامون موضوع "طبقه کارگران معاصر" گرد آمده بودند، به درخواست حزب کمونیست اندونزی پاسخ مثبت گفته و رژیم اندونزی را محکوم کردند و خواستار اعاده حقوق انسانی و آزادیهای دموکراتیک در این کشور شدند. مطبوعات جهان نیز این "شکار خونین کمونیستها" را توسط رژیم سواها تری محکوم کردند.

هم اکنون عده زیادی از کمونیستهای اندونزی در معرض خطر اعدام قرار دارند. رسلان ویجا بی ستر (دبیرکل حزب کمونیست اندونزی) و دبیرکل پیشین اتحادیه سندیکایی اندونزی و ۷۰ ساله) و اسکندر سوکتی (عضو هیات سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اندونزی - ۶۵ ساله) از جمله کسانی هستند که نزدیک به بیست سال است در اسارت گهای رژیم سواها تری بصری برند و اکنون جلادان رژیم قصد اعدام آنان را دارند.

## سرکوب و اعدام انقلابیون در بحرین

اخیراً رژیم ارتجاعی و دست نشانده بحرین که در گرداب یک بحران عمومی دست و پا می زند، برای خوش خدمتی بیشتر به انحازات امیرالیستی و تأمین منافع آنان به اعمال فشارهای بیشتر به نیروهای آزادیخواه میهن پرست روی آورده است. در بحرین هیچ حزب سیاسی اجازه فعالیت قانونی ندارد و عمل رژیم ترور و اختناق حاکم شده است.

چندی پیش عده کثیری را به اتهام مخالفت با حکومت مبارزه بخاطر تأمین آزادیهای دموکراتیک با زداشت کردند. ما مورین اطلاعاتی از رژیم دکتراشم اسما عیال العلوی یکسی از بزدلانتشدگان را زبر شکنجه به قتل رسانده است و ۱۶ روز پیش از آن رضی مهدی ابراهیمک اونیز زندانی سیاسی بود توسط دژخیمان رژیم بحرین بشهادت رسید.

"جبهه آزادیبخش ملی بحرین" اعلام کرده است که بسیاری از زندانیان سیاسی در خطرند است. آنان در زیر شکنجه های شدید قرار دارند جبهه آزادیبخش ملی بحرین همه احزاب، سازمانها و شخصیت های آزادیخواه کشورهای منطقه و سراسر جهان را فرا خوانده است که علیه قتل دکتراشم اسما عیال العلوی و دیگر قربانان رژیم بحرین اعتراض کنند و خسواهان قطع فوری با زداشت های غیرقانونی و قطع اعمال شکنجه و قتل زندانیان سیاسی گردند. کمیته مرکزی سازمان ما با ارسال پیام به جبهه آزادیبخش ملی بحرین، ضمن ابراز نفرت از اعمال دژمشتانه رژیم بحرین مراتب حمایت خود را از مبارزات آزادیخواه مردم و جبهه آزادیبخش ملی بحرین اعلام داشته است.

### مشکلات و مبارزات دانشجویان

۱۶ آذر، روز دانشجو، سبیل ۵۵ سال مبارزه دانشجویان ایران علیه رژیمهای ستمگر و امپریالیستی حامی آنهاست. رژیم خمینیستی از نخستین روزها کمیت خود، تدارک سرکوب خوین جنبش انقلابی دانشجویی و محو همه دستاوردهای آن و همچنین تحمیل جوهر سبیده حوزه های علمیه برداشته و آغا زکورد، در جریان بورش خونین به دانشگایها، هزاران دانشجو گمونیست، انقلابی و مبارزان را شکنجه و از بین آستان بسیاری اعدام شدند. نزدیک به ۲۰ هزار دانشجو و هزاران استاد دانشگایها اخراج گشتند. چنانچه برای رژیم خمینی در حکومت ۷ ساله اش نسبت به دانشجویان مرتکب گردید، بکلی در کشور مابقی باقی نماند.

ارتجاع تمام حقوق دانشجویان را زیر پا نهاده است. حق کوچکترین فعالیت سیاسی غیر دولتی را از آنان سلب کرده است. قوانین ارتجاعی، تحقیرآمیز و فسادناشای بویژه نسبت به دختران دانشجویان اعمال می شود. اعمال رژیم در انجمنهای اسلامی و سایر نهادهای ارتجاعی، دانشجویان را به مراکز جاسوسی بدل کرده و کوچکترین حرکات دانشجویان را کنترل می کنند. دانشجویان حق هیچگونه تشکیلی ندارند. خطر ارتجاع با زدا شد و شکنجه درسیا هجالیها رژیم هوسوار آنها را تهدید می کند. از همین جنگ، بویژه از آغاز سال جاری، زندگی دانشجویان را به تباهی کشانده است. رژیم فعالیت عادی دانشگایها را تعطیل کرده و به زور سرپا بر روی دانشجویان را به جبهه های مرگ می فرستد. مقاومت در برابر اعزام با خوار محرومیت تمام اعزاز ادا نموده تحمیل و با زدا شد و شکنجه همراه است.

کفایت علمی دانشگایها پس از "انقلاب فرهنگی" به نحو فاجعه باری سقوط کرده است. رژیم می گوید دانشگایها را از خلایق علمی شهی کرده و خرافات و افکار رپوسیده و فده علمی و ارتجاعی را در آنها رواج دهد تا آرزوی دیرینه روحانیت مبنی بر "بیوند دانشگای حوزه" عملی گردد. این سیاست به بحران عمیق آموزش عالی منجر شده است.

شرایط زندگی دانشجویان با سرعت بی باقهای به وخامت می گراید رژیم از تامين حداقل خواسته های رفاهی دانشجویان نیز سر باز می زند. دستهای هزاران دانشجو با مشکل مسکن مواجه اند. برای ۱۵ هزار دانشجو شهرستانی دانشگای تهران - مدنی پر امکانات ترین دانشگای ایران - تنها خوابگاههایی با ظرفیت ۵۰۰ نفر وجود دارد.

انبوه دانشجویان شهرستانی با هزینه های کمترین و هزاران مشکل مجبور به اقامت در مسافرخانه ها هستند. ترک تحصیل بر اثر نبود مسکن بویژه در میان دختران دانشجو افزایش یافته است. خوابگاهها به سر باز خانه شبیه اند. در خوابگاههای ۵۰۰ نفری دانشگای تهران ۲۶۲ - نفر جا داده شده اند. عدم بهداشت و خدمات ضروری موجب شیوع انواع بیماریها و از جمله بیمساری پوستی "گال" شده است. وضع غذایی دانشجویان چنان خراب است که خود مسئولین دانشگایها اعلام داشته اند اکثر دانشجویان شهرستانی بعلت سوء تغذیه دچار بیماریهای مختلف شده و تحرک جسمی خود را از دست داده اند. به هر دانه دانشجو روزانه ۹ گرم گوشت می رسد، در حالی که حداقل استاندارد ۱۰۰ گرم است.

رژیم می گوید مبارزات دانشجویان برای احقاق حقوق خود را بپرچمانه سرکوب کند. اما پیشتر در این هدف هر روز با ناگامی بیشتری مواجه می شود. تشنگی و دوا له آخیر دهها تظاهرات و اعتراض علیه جنگ و اعزام دانشجویان به جبهه ها - علیه اختناق در محیط های دانشگای و بخاطر حقوق صنفی - رفاهی و آموزشی اتفاق افتاده است. سطح فعلی مبارزات دانشجویان علیه رژیم سرکوب بهرحمانه و خونین جنبش دانشجویی نشانه عمق تنفردان دانشجویان از رژیم خمینی است. روند انزوا ی رژیم در دانشگایها با زده شدت با فتنه است. پشتیبان عمده رژیم در دانشگایها جاسوسان و مزدورانی هستند که رژیم بنام "دانشجو" وارد دانشگای کرده است. انجمنهای اسلامی بعنوان بازوی اصلی سرکوبگری ارتجاع هیچ حیثیتی نداشتند و نشان در ردیف نسام ساواکی های دوران شاه قرار گرفته است.

اختلاف دسته بندی و کشاکش در میان این نهاد ارتجاعی نیز اوج گرفته است. از آغاز سال تحصیلی جدید با اکثرین مقامات رژیم از جمله خاندانهای موسوی در پیام های خود انجمن های اسلامی را به وحدت و قطع اختلاف فرا خوانده اند، اما علیرغم آن تضاد در میان انجمن های اسلامی

که بازتابی از تضادهای جناحهای مختلف حکومتی است، گسترش یافته است. این تضادها نشانگر بحران درون انجمن ها و روند فروپاشی ناگزیر آنهاست.

مشخصه وضع فعلی دانشگایها، از یک سو تشدید بحران در نظام آموزش عالی و شدت با فتنه اختلاف در میان نهادهای اداری و پالیسی حکومتی در دانشگایها و از سوی دیگر گسترش تاراجی و مبارزات دانشجویان است. این شرایط وظایف مهمی را بر عهده دانشجویان آگاه قرار داده است. دانشجویان باید همه امکانات خویش را در جهت احیای جنبش انقلابی دانشجویی و تامين جاگایه شایسته و فعال آن در جنبش خلق بکار گیرند. بسیج سازماندهی دانشجویان حول شعارهای صلح و آزادی، اعتراض علیه اختناق حاکم برداشته و بخاطر انحلال انجمن های اسلامی و تشدید مبارزات صنفی دانشجویان بمنظور مقابله با وخامت روزافزون شرایط زندگی و تحصیل دانشجویان از اهم وظایف دانشجویان است. عمده ترین ضعف مبارزات دانشجویی در شرایط فعلی، فقدان تشکیلات صنفی - سیاسی است. عدم وجود چنین تشکیلاتی که بتوانند رهبری مبارزات دانشجویان را بعهده گیرند، باعث شده است که این مبارزات پراکنده و محدود باقی مانده و از یکپارگی و اتحادیت لازم با زمانه، یکی از عمده ترین وظایف دانشجویان انقلابی مبارزه برای رفع این ضعف اساسی است. بهمین منظور دانشجویان پیشرو باید ایجاد و تحکیم هسته های مخفی دانشجویی اقدام کنند. این هسته ها که با شرکت عناصر محدود و انقلابی بطور مخفیانه تشکیلی می شوند، در شرایط فقدان تشکیلات دموکراتیک و علنی، وظیفه هدایت و رهبری مبارزات صنفی - سیاسی دانشجویی را بر عهده دارند و در واقع جانشین رهبری سازماندهی صنفی و سیاسی دانشجویان، در شرایط مبارزه مخفی هستند. ایجاد، گسترش و تحکیم این هسته ها به دانشجویان کمک خواهد کرد که مبارزه علیه رژیم را سازمان یافته تر و هماهنگ تر سازند.

### ورزش دوستان در برابر رژیم

شکست نهایی آوریم ایران در بازیهای آسیایی سئول، بار دیگر کارنامه جمهوری اسلامی در ورزش ایران را در پیش چشم همگان آشکار کرد و به بحران ورزشی ایران من زده ایمن شکست بهانه ای برای گسترش اعتراضات علیه رژیم خمینی شد در جریان مسابقات ۴ تن از ورزشکاران ایرانی بعنوان اعتراض به جنگ و سیاستهای خائنانه رژیم، از بازی گشت به میهن خود جدا کردند. ۱۴ تن از فوتبالیست های تیم ملی نیز در اعتراض به سیاستهای ارتجاعی با انشطار نامهای از تیم ملی استعفا دادند. رژیم به تلافی این اقدامات چند تن از ورزشکاران اعزامی به مشول راستگرووران زندان کرد و برای جلوگیری از دستگیری های بیشتر، کلیه مسافرت های تیم های ورزشی ایران به خارج از کشور رالغو کرد.

نقطه اوج اعتراضات، در جریان یک مسابقه فوتبال در ۱۸ مهر اتفاق افتاد. دهها هزار جوان خشمگین پس از خروج از ورزشگاه آزادی با مشتای گره کرده و فریادهای "مرگ بر خمینی" دست به تظاهرات زدند. پاسداران سرکوبگر رژیم بهسرا بورش وحشیانه به صفوف تظاهراتندگان دهها نفر را مجروح و عده کثیری را دستگیر کردند. سران رژیم با وفا حت کم نظیری کوشیدند که تقصیر این تظاهرات را به گردن "شرکت واحد" بیا نندازند. اما کیست نداننده که این تظاهرات، تظاهرات علیه ادا سه جنگ، سرکوب اختناق، شکنجه زندانیان سیاسی و فقر و سیه روزی توده مردم بود. تظاهرات ۱۸ مهر یادآور تظاهرات ۲ سال پیش دهها هزار جوان در استادبوم امجدیه بود و یکبار دیگر نیروی اعتراضی عظیمی را که در میان جوانان ورزشی - دوستان نهفتاست، نشان داد. این تظاهرات

نشان داد که رژیم خمینی نه تنها نتوانسته است اعتراض در محیط های ورزشی را خاموش سازد، بلکه با انواع اقدامات ارتجاعی خود روز به روز به این اعتراضات دامن نیز زده است.

ورزشکاران شریف و آزاده ایران همراه با میلیونها جوان خواهان شکوفایی و نیرومندگی ورزش، گسترش آن در سطح جامعه و دستیابی کامل کاروانهای ورزشی به بیک سطح و دوستی بین ملتها در عرصه جهان هستند. اما ورزش ایران در شرایط ویرانه و لایق فقیه، به جای فعالیتها و ورزشی ریش و تسیح و پیروی از معیارهای ارتجاعی و لایق فقیه را به محیط ورزش تحمیل کرده است. ورزشکاران معترض را مورد انواع پیگرد سرکوب قرار داده و به زندان انداخته است. استادبومها را به پای برای شکار اعزام جوانان به جبهه بدل کرده است. رژیم، ورزش را در زنجیر "مکتب" به بند کشیده، افتخارات ورزشی ایران را بر باد داده و جز شکست های سنگین انومان دیگر چیزی به همراه نیاورده است. دشمنی رژیم بهسرا ورزش از ماهیت عمیق ارتجاعی و عقب مانده جمهوری اسلامی سرچشمه می گیرد. این رژیم گریزناک از تعطیل تمام فعالیتهای ورزشی نیز با بسی ندا دروا گهنوز نتوانسته این سیاست ارتجاعی را تا به آخر پیش ببرد. تنها بدلیل اعتراضاتی است که علیه آن صورت گرفته و می گیرد. مبارزه علیه رژیم خمینی در محیط ها و محافل ورزشی به اشکال گوناگون گسترش می یابد. ورزشکاران در این عرصه نقش مهمی بر عهده دارند. اعتراضات آنان همانگونه که تاکنون دیده ایم، وسیعاً زتاب می یابد و مورد حمایت مردم قرار می گیرد.

کار در محیط های ورزشی، سازماندهی انواع مبارزات کوچک و بزرگی که هر روز در جریان مسابقات ویا توسط ورزشکاران صورت می گیرد و تبدیل این اعتراضات به مبارزه ای گسترده و فعال علیه رژیم، یک وظیفه مهم است. باید از نفوذ گسترده ورزشکاران در میان جوانان بنوا حسن استفاده کرد. با عنا صریح و روان ارتباط برقرار کرد و از طریق آنها مبارزات روبه گسترش ورزشکاران و ورزش دوستان را هدایت کرده، به اتفاقا طبیعت بخشد و آنها را متوجه کسل رژیم ارتجاعی ساخت. همه واقعتاً نشان می دهد که میدانها و محیط های ورزشی می رود تا به یکی از عرصه های فعال مبارزه علیه رژیم درآید.

### انتشار یاد دهمین شماره

### آموزشهای از انقلاب و سوسیالیسم

شماره جدید نشریه "آموزشهای از انقلاب و سوسیالیسم" منتشر شد (شماره ۱۱ - شهریور ماه سال ۱۳۴۵). مطالب این شماره عبارتند از:

- ۱ - فرارویش انقلاب دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی - نوشته کلیوف
- ۲ - استراتژی اتحادهای طبقاتی (قسمت اول) - نوشته گ. گولدا لوف
- ۳ - ایدئولوژی طبقه با لنده - نوشته جمعی از نویسندگان اتحاد شوروی
- ۴ - ترکیب اسلام و مبارزه سیاسی - نوشته دیمیتری میره می یف
- ۵ - میزگرد: انقلاب و اصلاحات در اردن - نوشته کشور های خاور

شرکت کنندگان کشورگی کیم، سیمون آقا یف ولادیمیرا کسیمینکو، نوداری سیمونیسسا، کشورگی میرسکی، ولادیمیر خوروس

یازدهمین شماره "آموزشهای از انقلاب و سوسیالیسم" بعد از وقفه چند ماهه منتشر شده است. مطالب نشریه "آموزشهای از انقلاب و سوسیالیسم" از تشریفات و کتب منتشره توسط احزاب کمونیست و گراگری و نیز از نشریه "بررسی مارکسیستی جهان" انتخاب و ترجمه می شود. آشنایی و اخذ تجارب کمونیست های سایر کشورها در پیکارشان علیه امپریالیسم و رژیم های ارتجاعی می تواند به آگاهی انقلابیون میهن ما غنا بخشد. بسیاری از مطالب نشریه "آموزشهای از انقلاب و سوسیالیسم" به سبیلی مربوط می شود که در بین نیروهای چپ مورد نیاز است. این نظر می تواند در خدمت تدقیق و ارتقاء این مباحث قرار گیرد.

آدرس:	Pf. 10 1001 WIEN AUSTRIA
اخرش:	مسابانکی: AUSTRIA - WIEN BAWAG HR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD 'ARTHER

## پیروز یاد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!